

شهادت و شورا

مجموعه کامل خطبه‌های نماز جمعه و عید فطر
کتابخانه آنلاین «طالقانی وز مانه ما»
مجاهد کبیر، مفسر و معلم قرآن و ابوذر زمان

آیت الله سید محمود طالقانی

بنیاد فرهنگی آیت الله طالقانی

نادر



۱۷۸۳۲۴

اسکندر
سید صدر محمد
وزیر تاریخ
۶۴

شهادت و شورا

خطبه‌های نماز جمعه

مجاهد کبیر، مفسر و معلم قرآن و ابودر زمان

آیه الله سید محمود طالقانی

۱۱
۱۴۰۰ / ۴ / ۱۳
اسکن شد

بنیاد فرهنگی آیت الله طالقانی



کتابخانه آنلاین «طاقانی و زمانه ما»

به یاد چهلمین روز درگذشت پدر طالقانی

منتشر می شود

بسم الله الرحمن الرحيم

رسالت پیامبر اسلام ، با منافع زر و زور و تزویر در مکه ، برخوردی بنیادی داشت ، انقلاب واقعی و توحیدی اسلام اساس جاهلیت و جهان بینی شرک را به سختی تهدید می کرد . اشراف و مترفین و طاغوتها دست به یگدیگر داده در برابر آن ایستادند . به پندار سطحی آنان ، اسلام یک شورش و موج جدیدی بود که با اندکی مقاومت درهم گوبیده می شد . اما این رسالتی است برای جهانیان و در سراسر تاریخ ، لذا دستور هجرت رسید ، هجرت یعنی حرکت ، به حرکت در آوردن انسانهای راكد ، انسانهای گنبدیده ، انسانهای متوقف ، انسانهای واژگون .

پیامبر در سفر تاریخی و تعیین کننده خود برای سرنوشت انسانیت ، در قبا متوقف شد ، و حرکت و همبستگی و حرکت یکپارچه و همبسته را به انسانها آموخت و صف نماز جمعه را برپای داشت . همه انسانهای فطره " حقیقت طلب و آزادیخواه را در پهنه زمین و درازنای زمان ، به یگدیگر وابست ، و زمین را به آسمان پیوند زد ، همانگونه که با رسالت اسلام ، آسمان به زمین متصل شده بود .

و از آنجا بود که حرکت اسلام شروع شد . . .
و نهضت آزادیخواهی و کمالجویی و رها تبیخش مردم حق طلب ایران رشد یافت ، اوج گرفت ، قطره های انسانی جویبارها را تشکیل داد و جویبارها رودخانهها و دریای عظیم و موج انسانی را . و نهضت به انقلاب منجر شد و ریشه ظلم را از بیخ برکنند .
زلزله های سخت سهمگین در گرفت و گرد و خاکها به آسمان برخاست .

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

■ شهادت و شورا

■ خطبه های نمازهای جمعه آیه الله طالقانی

■ از انتشارات بنیاد فرهنگی طالقانی

■ حروفچینی آی بی . ام . ۱۷۰ شهر یور

■ چاپ افست

■ مهرماه ۱۳۵۸ - شوال ۱۳۹۹

همه مبهوت و نگران ، چون گرد و خاکها به یگسورفت ، دیو ظلم را دیدند که تنوره گشان از میان برخاست و ظلمت رخت بربست و فرشته عدل و آزادی و نور و روشنائی حاکم گردید . و معیارها درهم ریخت ، همه چیز درهم ریخت و هیچ چیز ایستا نبود ، که ویژگی انقلاب این است . . . همه چیز درهم می ریزد تا ساختمانی نو به جایش برافراشته شود . . .

سازندگان آستین بالا زدند و زمین را از آلودگیها بزدودند تا آماده بذرنش سازند . همه دست به کار شدند و هرکس گوشه ای را گرفت . نماز جمعه ، مظهر حرکت ، مظهر تجمع ، رمز همبستگی ، رمز وحدت و وسیله یکی شدن ، سالها فراموش شد و یا از آنجا که وسیله سوء استفاده طاغوتیان قرار گرفته بود ترک گردید . . . و اینک که زلال اسلام به سرچشمه اصلیش بازمی گردد ، باید احیاء و اجرا شود .

قهرمان وحدت ، زبان گویای مستضعفان ، ابودر زمان ، بازوی اسلام ، مالک اشتر امام ، مفسر قرآن و مجاهد نستوه به پیشوائی نماز جمعه در جمهوری اسلامی برگزیده شد . و خطبه هایش زندگی بخش و امید آفرین ، و حرکت انگیز . . . و افسوس که هفت بار بیشتر نتوانستیم این آبهای زندگی را از زبانش بشنویم ، که گوئی عدد هفت ، رمز کمال و تکثر و تکرار و حرکت بی پایان است ، هر یک به مناسبتی . برای یادآوری جو سیاسی حاکم بر هر روز جمعه فهرست وار موضوع روزش را در اینجا می آوریم :

جمعه اول : بازارگانندیداتوری برای مجلس خبرگان گرم است و او خود هم یکی از نامزدها ، و برخی ندانم کاریهای کودکانه که باروح آزاد میخواهی و سماحت اسلام سازگار نیست . تلاش او برای دادن رهنمودهایی به فرزندان عزیز و فداکاری که احیانا " از روی کم تجربگی ممکن است وسیله سوء استفاده دشمنان قرار گیرند ، و ارشادی بلیغ و علی وار برای داشتن سینه های به فراخنای بهشت که خود به گستره آسمانها و زمین است .

جمعه دوم : (۱۲ مرداد) روز رأی دادن به نمایندگان مجلس خبرگان نخست تسبیح و تسبیح گویان شناسانده می شوند و سپس ارتباط این حرکت منزله با حرکت مردم برای انتخاب افرادی شایسته جهت تدوینی در خور جامعه ای نوحاسته . و آنگاه هشدار به حرکت مرموزانه دشمنان تفرقه افکن و

دشمن ساز .

جمعه سوم (۱۹ مرداد) در خطبه نخست معیار قانون اساسی مطرح است ، و در خطبه دوم هدف نبوت که هماهنگ کردن انسانها است با عالم و نتیجه بعثت که تعلیم کتاب و حکمت و داشتن معیار و میزان برای قضاوت و اظهار نظر درست .

جمعه چهارم (۲۳ رمضان - ۲۶ مرداد) روز مخصوص قدس است ، و شناساندن صهیونیستها ، و ابولهبها و در خطبه دوم بیان مقام مسجد اقصی و همبستگی جهانی همه مسلمانها با یکدیگر و اتحاد برای ازمیان برداشتن دشمن مشترک اسلام و انسانیت .

جمعه پنجم (۲ شهریور - عید فطر) در این روز به جای نماز جمعه نماز عید فطر خوانده شد و خطبه های عید فطر ، و بیان رهنمودهایی از علی برای یک جامعه انقلاب زده و واژگون شده برای بازگشت به حرکت درست جهانی و شناساندن انقلاب ریشه دار و همه جانبه علوی و معیارهایی که آن امام بزرگ برای حرکت در یک جامعه انسانی ارائه می دهد .

جمعه ششم (۹ شهریور) رهنمودهایی به مردم در مورد مسؤولیتهای اجتماعی و موضعگیری درست در برابر مسؤولین امر . مسأله مشغول دارنده و گرفتار سازنده ترافیک که در عین کوچکی بسیار بزرگ نموده است و رعایت حال دیگران . و در خطبه دوم به شناساندن چهره منافق همت می گمارد و به مسأله گردستان می پردازد .

آخرین جمعه (۱۶ شهریور) - شب هفده شهریور در بهشت زهرا است . آخرین سخنش با میلیونها انسانی که تشنه شنیدن کلامش بودند . و پیامش به گفته خلق عزادار او : شهادت بود و شورا . در خطبه اول مرگ را به منطق انبیاء و منطق قرآن معرفی می کند و گشودن این راز و نشان دادن نمونه های عملی این حرکت تکاملی که در آن محیط آرمیده اند . و در خطبه دوم به مردمانی که منتظر مانده اند تا پیمان خود را با خدا به انجام رسانند : مسأله سپردن کار مردم به خودشان ، مسأله شخصیت دادن به مردم و شوراهای " امام فرمان می دهد و ما فریاد می کشیم و . . . اما عملی نمی گردد "

اینک رهنمودهای هفتگانه‌اش همیشه در برابر رهبران راهش قرار

دارد.

روانش شاد و رحمت و برکات و سلام خدا بر او باد.

هیأت تحریریه بنیاد فرهنگی آیه‌الله طالقانی

۲۳/مهرماه ۱۳۵۸

اولین نماز جمعه ۲ رمضان ۱۳۹۸ - ۵ مردادماه ۱۳۵۸

خطبه اول:

درود ما، صلوات ما بر همه انبیاء و مرسلین و گشایندگان راه حق و توحید و بر همه شهدای راه حق بخصوص خاتم انبیاء آن که او را براستی بدین حق و هدایت ارسال داشت تا این دین را بر همه ادیان برتری بخشد گرچه مشرکان نخواهند. گرچه کافران نپسندند. اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم.

یا ایها الذین آمنوا اذا نودی للصلاة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله و ذروا البیع ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون" (سوره جمعه/ آیه ۱۰).

این آیه دستور اجتماع توحیدی و عظیم جمعه است همین اجتماع که سالها در بین ماسلمانهای ایران بصورت نیمه تعطیل درآمد و امروز طلوعه انجام این فریضه بزرگ الهی و این صف بزرگ توحید و جهاد است. همان روزی که پیامبر ما، رهبر عظیم الشأن ما، هادی بشر، نجات دهنده از شرک و کفر و الحاد، رسول اکرم از مکه به مدینه هجرت فرمود در جنوب شهر یثرب که هنوز بنام مدینه الرسول نامگذاری نشده بود، چند روزی در همین محل مسجد "قبای" فعلی توقف نمود و پس از آن روز جمعه‌ای بود که حرکت کرد از مسجد قبا بطرف مدینه یعنی اولین حرکت تأسیس "اجتماع توحیدی، اجتماع خدایی، اجتماع قسط و عدل الهی در دنیای شرک و کفر و ظلم و ظلمتها" در میان راه بین مسجد قبا و مدینه اولین نماز جمعه را اقامه فرمود یعنی "اولین شکل صف توحیدی، صف اقامه قسط، صف جهاد، نماز جمعه مظهر کاملی است از صف توحیدی ملت اسلام" و در عین حال آگاهی، تنبه، هوشیاری، افشا کردن دسایس دشمن و مطلع کردن همه مسلمانها به وظایف و مسوولیتهایی که لااقل در مدت یک هفته در پیش دارد. نماز جمعه صف عبادت، صف حق پرستی، صف روابط قلوب و وجدانهای بیدار خدا پرستان و در عین حال صف نظام،

صف جنگ، صف فرماندهی و فرمانبری است، از این جهت برای امام جمعه شرایط خاصی قائلند که هم بتواند فرماندهی کند هم بتواند آگاهی بدهد و از حوادثی که در پیرامون کشورهای اسلامی و جامعه مسلمین جریان دارد و از دسیسه‌های زیرپرده مسلمانان را آگاه کند. آن صف مختصری که در بیابان‌های مدینه در ابتدای هجرت و در آغاز تاسیس مجتمع قسطو عدل اسلامی تأسیس شد این صف گسترش پیدا کرد، ادامه یافت. شرق و غرب دنیا را این صف فرا گرفت همانطور که من در مصاحبه شب گذشته تذکر دادم فلسفه تعطیل شدن یا نیمه تعطیل شدن نماز جمعه در میان ما مسلمانان یعنی ما شیعیان همین است که صف نمازمان صف جمعه یک صف عبادت و سیاست و اجتماع اسلامی است و باید با رهبری رهبرهایی که از مردم واز طرف خدا منتخب شده‌اند این صفها تشکیل بشود و نماینده چنین رهبرهایی الهی باشند ولی بعد از آنی که اسلام و موازین و احکام اسلام بصورت‌های دیگر و انحرافی درآمد صف جمعه هم وابسته شد به صف طاغوتها و شیعه در اقامه این جماعت و این اجتماع توقف کرد.

ولی امروز که طاغوتها و طاغوت ما و طاغوت این کشور سرنگون شده است و رهبری، رهبری الهی است، امامت است، عدل است، قسط است، باید ما و همه برادران ما در شهرها قصبات و اطراف کشور همانطوری که امام، امام خمینی، خواسته‌اند این صف را تشکیل بدهند. یعنی این صفی که اکنون در یک گوشه تهران با نبودن وسایل با پیش‌بینی نکردن جا و محل و شرایط تأسیس شده و با همه کشور شیعه و کشور اسلامی ما و با همه برادران شیعه و سنی ما، باید ارتباطشان را محکم کنند و در همه جا کسانی که دارای چنین شرایطی باشند که در فقه ما بیان شده است اقامه کنند. این صفی است که نه تنها در داخل مرزهای ایران ما بهم باید پیوسته شود. این حلقه‌ای که سست شده بود باید با دیگر کشورهای اسلامی پیوسته شود. این چه قدرتی است، این چه عظمتی است. آیا هیچ قدرتی در دنیا می‌تواند چنین صفی تشکیل بدهد؟ شما برادران، شما خواهران، در این ماه مبارک رمضان، زبانهای تشنه و شکمهای گرسنه با نبودن وسایل و جا، چندین ساعت به انتظار نماز جمعه یعنی اقامه حق، اقامه عدل، اقامه قسط نشسته‌اید. این فرمان روزه که فرمان ایمانی است کدام فرمانی، کدام حزبی، کدام رهبری غیر از رهبرهای اسلامی، چنین فرمانی و چنین اطاعتی را می‌توانند در کشورها و جمعیت‌های خودشان تأسیس کنند. با همه کارشکنیهای استعمار، استبدادهای داخلی، این صف از همان وقتی که رسول خدا اقامه کرد تا امروز برپا است. همین صفی که امروز نشسته‌اید، به طرف غرب بروید تا کشورهای عربی و شمال

آفریقا و اواسط آفریقا این صف شما متصل است. مسلمانها شما قویترین امت دنیا هستید چون متکی به حق و یک صف هستید کدام کشور، کدام بلوک کدام مکتب دارای چنین صفی است. اطراف شرق بروید. پاکستان، افغانستان، اندونزی، هندوستان این امت متصل است و چشم بهم بگذارید و چشم دیده و باطن خودتان را باز کنید، ببینید چه صف قوی ما داریم. چنین صفی را با پول و با رشوه و با فریب نمی‌توان فراهم کرد، جز حق، جز ایمان خالص، جز فرمان الهی، همین است که دشمنهای ما را مرعوب می‌کند. همین صف، همین صف است که دشمنهای زخم خورده ما برای این که این صف را قطع کنند و متلاشی کنند و مسلمانها که در بهترین سرزمینها و بالای منابع عظیم ثروت‌های مادی و معنوی، عرفانی، هوشیاری، عالیترین فلسفه انسانی و حیاتی در بردارند، اینها از همین نگرانند عوامل آنها هم که هر روز بهانه‌جویی می‌کنند از همین نگرانند. اگر این صف محکم شد، گسترده‌تر شد، پیوسته‌تر شد دیگر جایی برای نفوذ استعمار شرق و غرب و مکتب‌های دیگری نمی‌گذارد. این صف عظیم توحید است. صف عبادت است، صف نماز است، صف جهاد است، دشمنها دسیسه کنند، اگر چند روزی هم تعطیل کنند، همانطوری که ۱۴ قرن است تعطیل شد، نخواهد تعطیل شد. همین دسیسه‌های احمقانه در اطراف کشور ما، چه می‌کنند، چه می‌خواهند، چرا برادر کشی راه می‌اندازند، برای این که این صف را متلاشی کنند. برای این که این وحدت را از میان بردارند وحدتی که از درون دلها و وجدانها سرچشمه گرفته، وحدتی که با رهبری‌های قاطع اسلامی به حرکت درآمده، دنیا را نگران کرده آمریکا، امپریالیسم اروپا، صهیونیسم همه به وحشت افتاده‌اند. با کارهای احمقانه‌ای که در سرحدات ما براه می‌اندازند گمان می‌کنند این صف را متلاشی می‌کنند جز رسوائی برای خود نمی‌گذارند، جنگ ایجاد می‌کنند، مگر کم سپاه داریم، سپاه ما مخصوص به برادران ارتشی ما نیست، زن و مرد ما، کوچک و بزرگ ما سپاه اسلام است و پاسدار اسلام است. استعمار جلو بیاید. قشونش را جلو بیاورد. حالا که از پشت پرده می‌آید آشکار بیاید، یا همه ما باید بمیریم یا استعمار را در تمام دنیا دفن خواهیم کرد. اگر به جای خود ننشینند، من پیرمرد، من ضعیف، من مریض مسلسل بدست می‌گیرم، پشت تانک می‌نشینم، امام خمینی هم خواهد کرد، او هم پشت تانک می‌نشیند، بچه‌های کوچک ما، زنهای ما، خواهران ما، با کی می‌خواهند بجنگند. چرا اخلال می‌کنند؟

مسأله دیگری که جریان روز است مسأله انتخاب مجلس خبرگان است. ما نمی‌خواهیم بگوئیم این مجلس بی‌عیب و نقص است، به هر

صورتی باشد، مسلماً "یک مجلس کامل و تامی نخواهد بود. کسی هم ادعا نمی‌کند اگر بصورت انتخابات بیشتر و گسترده‌تر و افراد بیشتری هم باشند باز هم آنهایی که نق باید بزنند نق می‌زنند. یک عده حزبشان و گروهشان منفی‌بافی است. کار مثبتی که ندارند. هی ایراد گرفتن، ایراد داریم فقط با ایراد گرفتن اینجا همچنین شده آنجا همچنین شده. البته باید همه مردم و همه اقشار و همه گروهها شرکت کنند. آزادند در شرکت کردن. من تعجب می‌کنم بعضی از گروهها می‌گویند آزادی نیست، پس معلوم می‌شود مفهوم آزادی هم یک مفهوم خاصی است که فقط مثل مفهوم قشر و طبقه و دیگر لغتها یک عده خاصی می‌فهمند. کسی مانع شده از این که کسی رأی بدهد؟ کاندیدی بدهد؟ این طرف مساله را بررسی می‌کنیم. البته همانطوری که همه برادران، فرزندان، خواهران من می‌دانند من همیشه سعی کرده‌ام تا از میزان حق و عدل درباره هرکسی منحرف نشوم و این آیه شریفه همیشه در مقابل چشم من است که: "یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط ولا یجرمنکم شیئان قوم علی ان لا تعدلوا. قسط را اقامه بدارید. برای خدا گواهی بدهید اگر که کدورتها، کینه‌ها، نسبت به کسی دارید مانع از آن نشود که قضاوت به حق کنید عدل را رعایت کنید و لایجرمنکم شیئان قوم علی ان لا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی، عدالت است که نزدیک به تقوی است. ما این طرف مساله را بررسی می‌کنیم که عده‌ای هستند، آزادی نیست گاهی یک درگیریهایی موضعی یک چند نفر اشخاص ناآگاه و یا غیر مسوول یک عملی انجام می‌دهند آنوقت در این روزنامه‌ها ببینید چه جار و جنجالی می‌کنند، چه هوچیگری می‌کنند که آزادی نیست؟ آیا کسی جلوی دست کسی را گرفته؟ سلب آزادی بوسیله پول ارتش، قدرت است. این مردم هستند همین خلقی که عده‌ای طرفداران آنها هستند، اینها هستند که رای می‌دهند، اینها هستند که دنبال رهبر هستند. ما نمی‌دانیم این خلق، این قشری که حقیقتاً تضعیف شده و آزادیش سلب شده، اینها چه کسانی هستند؟ اگر این مردمند که همه پشت سر رهبرند. همه وظیفه دینی و اسلامی شان را از ابتدای حرکت، این جنبش. این انقلاب روی وظیفه اسلامی و ملی و دینی شان انجام داده‌اند، حالاهم دارند انجام می‌دهند. مگر آنکه قشر ناراضی از این مسائل مخصوصاً البته ناپسامانیهای اقتصادی هست، اعتراضاتی هست که اغلب خود من گفتم، در کار دولت، در بعضی از گروهها، در بعضی از کمیته‌ها، ولی این مساله غیر از این است که مرتب تاکید کنند قشر خلق حقیقتاً ادا نمی‌شود. این قشر خلق است. روز سه‌شنبه هفته گذشته اینها قشر خلق بودند، پس این قشر خلقی که حقیقتاً تضعیف شده ما که نمی‌دانیم کی‌ها هستند اینها. لابد

اجنه هستند که به چشم دیده نمی‌شوند. اینها قشر خلق هستند. البته یک مساله‌ای هست و آن این است که این خصایص و موازین که برای رهبری و یا به اصطلاح روحانیت شیعه و اسلام بطور عموم یک خصایصی را در این لباس قرار داده روی سنتها، مقیاسها - که من کلمه روحانی یا آخوند را کلمه اصیل نمی‌دانم، سقط یک خصایصی دارند. همان بدها شان هم مجبورند یک حدودی را حفظ کنند، چون دارای چنین خصایصی هستند، با این خصایص و همه مردم از آخوند ده گرفته تا یک مرجع تقلید، مردم ذره بین می‌گذارند و تمام جزئیات زندگی اینها را زیر نظر می‌گیرند. پول دارد یا ندارد، کلاه سرکسی گذاشته یا نگذاشته، دروغ گفته یا نگفته؟ پس اینها بطور خود بخود در یک کشور اسلامی گزیده می‌شوند. این امر طبیعی است ولی افراد دیگری که نه سوابقشان مشخص است و هر روز به یک رنگ درآمد دارند اینطور شناخته نشده‌اند. با همه اینها من معتقدم که باید در این مجلس همه گروهها راه پیدا کنند و ما تابع دستور قرآنیم: "قبشر عبادی الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هداهم الله و اولئک اولوالالباب" این درس ماست. این مکتب ماست که حرف حسابی را بشنود. صاحب لب، صاحب عقل هدایت یافته‌ها اینجوری هستند. این وسیله کمال احسان است، حرف طرف، حرف مخالف شنیده بشود و بعد هم بهترینش گرفته شود، در مجلس ما باید مخالفین هم بیایند. اگر نیایند هم ما باید دعوتشان کنیم حرفشان گفته شود، قانون اساسی ما از اصول اسلام ناشی شده است. منشاء گرفته است. اصول اسلام قسط است و عدل است و حق. هر شعاری، هر ایده‌ای که گروهی بدهند، باز اسلام چند قدم جلوتر است. البته اینها باید بتدریج پیاده شوند بنابراین ما هیچ نباید وحشت کنیم که گروههای دیگر راه پیدا کنند حرفشان را بزنند بلکه باید از اینها دعوت کنیم. والا پنجاه نفر، هفتاد نفر که هم لباس و هم فکر باشیم و در یک جا جمع بشویم همه یک رأی داریم چون از آن موازین نمی‌توانیم خارج شویم. مجلس اصیل این است که همه آراء گفته شود، همه ابعاد مسائل بررسی بشود از این جهت باید راه پیدا کنند. من هم خسته‌ام، شاهم خسته‌ام در میان آفتاب، زبان روزه، همه از هم دیگر باید عذر بخواهیم، ولی چه بکنیم، اما من نسبت بخودم چند بار خواستم در اثر بیماری که دارم، از قبول کاندیداتوری عذر بخواهم مرض است، بعضی‌ها خیال می‌کنند من تمارض می‌کنم، واقعا "مرض است، پزشکان معالج من همه می‌دانند، همه دوستانم هم می‌دانند ولی دوستان، رفقا از من خواستند من تا آنجایی که جان در بدن دارم و می‌توانم خود را بکشم مثل گذشته میدوارم خداوند بمن توفیق بدهد تا وظیفه‌ام را انجام بدهم.

یک نکته دیگر هم باید توجه کنیم که یکی از حیل‌هایی که دشمن بکار می‌برد، از دسپس دشمن این است که یا یک مخالف را بصورت یک دشمن قوی درمی‌آورد یا گاهی هم دشمن را می‌سازد.

برای این که در پشت این درگیری بین دو گروه بتوانند دسپس خودشان را انجام بدهند. اینقدر که دشمن را بزرگ می‌کنند، آنقدر بزرگ نیست، ما نباید همه حس و شعور و فکر و ذهنمان را متوجه به او بکنیم ما باید خودمان را بسازیم.

خصوصاً "در این ماه مبارک که ماه تقواست، ماه سازندگی است، ماه اخلاص است ماهی است که انسانهایی که در ردیف حیوانات زندگی می‌کنند، باید بگونه فرشته‌ها در بیایند و با فرشته‌ها، در فضای ملکوت، در این شبها، در این سحرها هم زمزمه باشند و پرواز کنند و تسبیح گو باشند باید پیش از این که به دشمن توجه کنیم خودمان را بسازیم. صف-هایمان را منظم کنیم خداوند به همه ما و به همه شما توفیق عنایت کند و ما را در راهی که خیر و سعادت خودمان و مردم دنیا، مسلمانهای دنیا، مستضعفین دنیا و به صلاح آینده ما است همه ما را هدایت کند والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

* * *

خطبه دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الواحد الاحد، الفرد الصمد، الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له

کفو "احد .

الصلاه والسلام علی جمیع الانبیاء والمرسلین والملائکه المقربین

سیما الذی قام بالحق حبس نفسه علی ذات الله، حاکم بالکتاب، الرسول الموبد، الفاتح

لما قبله والخاتم لما بعده ابوالقاسم محمد .

اعوذ بالله من الشیطان الرحیم

یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط ولا یجرمنکم شتان قوم علی

ان لاتعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی .

در خطبه گذشته اشاره‌ای بود به مسائل داخلی ما . اکنون نه تنها ما ایم، ما ایم و همه

دنیای اسلام . سرنوشت ما سرنوشت دنیای اسلام و سرنوشت مستضعفین اسلام است، سرنوشت

کسانی که در برابر استعمار و صهیونیست قرار گرفته‌اند و عوامل استعمار، سرنوشت ما به

هم پیوسته است و ما نمی‌توانیم از آنها جدا باشیم . آنها هم نمی‌توانند از ما جدا باشند.

ما باید به یاری آنها برخیزیم آنها باید به یاری ما و به کمک ما برخیزند سرنوشت ما با مردم فلسطین جدا نیست، با دیگر مسلمانهای مستضعف تحت فشار عوامل استبداد داخلی و استعمار قهار خارجی هیچ جدا نیست، الان در همه صفوف عالم اسلام همین مسائلی که اینجا مطرح می‌شود، آنجا هم مطرح می‌شود، وقت گذشته بیش از این نباید طول بدهیم، از خداوند می‌خواهیم که همه مسلمانها را و همه گرفتارها و همه مستضعفین را یاری بدهد و خداوند مردم فلسطین را تقویت کند، خداوند آنها را بر صهیونیست و اسرائیل زخم - خورده و دیوانه پیروز گرداند . و همینطور دیگر مسلمانهای ما را خداوند همه ما را یاری بدهد و این وعده الهی "ان تنصروا الله ینصرکم ویثبت اقدامکم" اگر واقعاً ما خدا را یاری کنیم خدا احتیاج به یاری ندارد، یعنی اراده خدا، مشیت خدا، خواست خدا، عدالتی که خدا می‌خواهد، قسطی که خدا می‌خواهد . اگر یاری کنیم وعده داده است خداوند هم ما را یاری خواهد کرد و قدمهای ما را محکم خواهد کرد . پروردگارا درود فراوان ما، تحیات ما، سلام و صلوات ما را به روح همه بزرگان، پیشروان حق، شهدای ما، شهدائی که در این مدت و در این چند سال اخیر خون خودشان را رایگان برای اقامه حق و از میان بردن طاغوت ریختند خدایا درود ما را به همه آنها بفرست، ارواح آنها را با شهدای اولی ما، شهدای بدر واحد و کربلا، خداوند متصل بگردان، اینها را با آنها محشور بگردان، خداوند به ما هم توفیق خدمت، ثبات قدم و آرزوی شهادت و رسیدن به شهادت در راه حق خداوند اعانت بفرما!

آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

دومین نماز جمعه در دانشگاه تهران (۹ رمضان ۱۳۹۹ - ۱۲ مردادماه ۱۳۵۸)

خطبه اول:

السلام علیکم جمیعا " و رحمہ اللہ و برکاتہ

قبل از شروع به خطبه رسمی، همانطوریکه بارها تذکر داده شده و توجه دارند برادران و خواهران ما، خطبه نماز جزء نماز است یعنی همان آدابی که برای نماز هست، از جهت توجه و سکوت و صمت، در خطبه نماز جمعه هم هست، و از این جهت در بین خطبه شعار داده نشود و اگر هم صلواتی، درودی می فرستند یعنی صلوات آهسته باشد. مطلب دیگر اینست که در هفته گذشته، بعد متوجه شدیم که عده ای از برادران و خواهران ما مدتها با زبان روزه، در زیر آفتاب گرم ناراحت شدند و حتی بعضی ها به حال غش و بی هوشی افتادند. از این جهت این تذکر لازم است کسانی که چه برادران و چه خواهران ما با این شرائط و این فضای فعلی و ماه مبارک رمضان، اگر دچار یک ناراحتی هائی که بیش از تحمل معمولی است می شوند و یا گرفتاریهای دیگری داشته باشند، نماز از آنها ساقط است.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي يؤمن الخائفين و ينجي الصالحين و يرفع المستضعفين و يهلك ملوكا " و يستخلف آخرين .

الحمد لله قاصم الجبارين مبيد الظالمين مدرک الهاربين نکال الظالمين صريح المستصرخين موضع حاجات الطالبين ، معتمد المؤمنين . اللهم صل و سلم و بارک علی محمد عبدک و رسولک ، الذي ارسلته بالهدى و دین الحق ليظهره علی الدین کله و صل علی جميع الانبياء والمرسلين والملائكة المقربين والصديقين والشهداء والصالحين و صل علی اميرالمؤمنين و صل علی فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين و علی سبطي الرحمة امامي

الهدى الحسن والحسين و على بن الحسين و محمد بن على و جعفر بن محمد و موسى -
ابن جعفر و على بن موسى و محمد بن على و على بن محمد و حسن بن على و الخلف الهادى
المهدى عليهم صلوات الله جميعا .

يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله حق تقاته و لا تموتن الا و انتم مسلمون . و اعتصموا
بحبل الله جميعا " و لا تفرقوا و اذكروا نعمت الله عليكم اذ كنتم اعداء فالف بين قلوبكم
فاصبحتم بنعمته اخوانا " و كنتم على شفا حفرة من النار فانقذكم منها كذلك يبين الله
لكم الايات لعلكم تهتدون .

تقوا ، باز هم تقوا ، تقوا وسيله رشد و حرکت انسانيت ، ضبط نفس ، حاكميت
ايمان ، توجه به حق ، خوددارى از انحرافهاى فكرى و اخلاقى و عملى ، اتقوا الله حق
تقاته ، انسان كه ميوه پرمايه ايست از اين درخت طبيعت ، به وسيله ايمان و تقوا بايد
به حد عالى رشد خود برسد . آنگاه است كه مى تواند منشاء تكثير و نمو و رشد ديگران
باشد .

ولا تموتن الا و انتم مسلمون ، سعى كنيد كه به وسيله تقوا هر چه بيشتر رشد يابيد ،
از آفتها محفوظ بمانيد ، تا آنگاه كه مرگ فرا رسد ، تسليم اراده خدا و مشيت الهى
باشيد . باتقوا است كه مى توانيد هشيار باشيد و به ريسمان توحيد و ريسمان ايمان همه
متمسك شويد و اعتصموا بحبل الله جميعا " . اين ريسمانيت كه شما را از سقوط نگه
مى دارد ، از زلل نگه مى دارد ، اين ريسمانيت كه مى تواند انسانها ، استعدادها
(با چنگ زدن بدان) هر چه بيشتر شكوف شوند و تعالى يابند . و اعتصموا بحبل الله جميعا
و لا تفرقوا ، نعمت خدا را به ياد بياوريد كه شما همه با هم دشمن بوديد ، در تاريخى شرك
و جاهليت به سر مى برديد و همه از اشباح يكدگر متنفر بوديد . نور ايمان ، نور وحى تابيد
و همدى را شناختيد و اصبحتم بنعمته اخوانا " . همه در معرض سقوط بوديد و كنتم على
شفا حفرة من النار . اين رسالت الهى بود كه شما را نجات داد بايد متوجه اين نعمت ها
باشيد : يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله حق تقاته و لا تموتن الا و انتم مسلمون . غفر الله
لنا و لكم و لجميع المؤمنين و المؤمنات . و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته .

خطبه دوم :

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذى يسبح له ما فى السموات و ما فى الارض الملك القدوس العزيز
الحكيم ، الصلوة والسلام على محمد الذى ارسله ليزكى الناس و يعلمهم الكتاب و الحكمة

و على آله الطيبين الطاهرين و اصحابه المنتجبين . اعوذ بالله من الشيطان الرجيم .
يسبح لله ما فى السموات و ما فى الارض الملك القدوس العزيز الحكيم : تسبيح مى كنند
خداى را آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است . همان مبدا قدرت ، همان خدائى كه
ملك است ، متصرف است ، پاك و منزّه است ، الملك القدوس ، خدائى كه اراده اش قاهر است ،
خدائى كه كارش حكيمانه است ، همان خدا برانگيخت از ميان مردم امى پيامبرى از آنها تا
آياتش را بر آنها تلاوت كند و تزكيه كند آنان را و تعليم بدهد به آنها كتاب و حكمت را .
همه عالم از نظر شناخت ما ، شناخت وحى ما ، قرآن ما ، مسبح هستند ، همه تسبيح مى
گويند ، همه در حرکت تسبيحى هستند ، ما فى السموات و ما فى الارض ، همه در طريق
كمالند ، همه كوشا هستند تا خود را از پليديها و نقصها برهانند . تسبيح از سباحت (است)
يعنى شناورى . انسان شناور در ميان طوفانهاى دريا و امواج آب چگونه مى تواند خود را
به ساحل نجات برساند : چشم به ساحل دوختن و اميد به نيرو و قدرت داشتن و حرکت
منظم در جهت دست و پا انجام دادن و از طوفانها نهراسيدن . اين تسبيح است ،
اين سباحت است . كه انسان شناور را به ساحل نجات مى رساند ، انسان مسبح را .
از نظر مكتب ما ، مكتب توحيد ، مكتب الهى همه موجودات داراى شقور خاصى
هستند ، شعورى سارى در همه موجودات ، چون همه پديده هاى از وجودند و وجود علم
است و قدرت است و شعور است و كمال ، همانطوري كه قرآن مى گويد : ان من شىء الا يسبح
بحمده و لكن لا تفقهون تسبيحهم : تمام موجودات تسبيح گو هستند ولى شما نمى توانيد
بفهميد ، نمى توانيد درك كنيد . همه در حرکتند ، همه از نقص و پليدى خود را مى رهانند ،
همه با اين شعور سارى به طرف حق و كمال رهسپارند ولى شما نمى فهميد ، شما درك نمى -
كنيد ، هر ذره هاى در عالم ، در حرکتى كه دارد سعى مى كند . در اين حرکت شناورى ، خود
را از پليدى ، آلودگى ، نقص ، برهاند و همه در يك مسير و رو به يك هدف كه . الا الى الله
ترجع الامور ، الا الى الله تصير الامور . همين فرد فرد ما انسانها كه از خود بي خبريم ،
ملياردها سلولى كه ما از آنها ساخته شده ايم ، در حرکت شناورى هستند ، هرنفسى كه
مى كشيم ، ذرات هوا در تمام اطراف بدن ما و اعضاى ما شروع مى كنند كدورتها و نقصها
را برطرف كردن ، سموات را برطرف كردن و به بيرون فرستادن ، و انحاء بدن از سموات
و پليديها و بيماريها را پاك مى كنند . تمام حرکتهائى كه در بدن انسان است ، همه در
حرکت شناورى و سباحت است ، عالم همه در تسبيح ، انسان ، وجود انسان ، بدن انسان
سواها تسبيحگو ، ولى در اين ميان اين انسان مختار و عاقل است كه خود را آلوده

می‌دارد و از حرکت باز می‌ماند، این رسالت برای همین است که این انسان را هماهنگ با همه نظامات جهان کند و تسبیحگو باشد، محیطش را، اخلاقش را، نفوس خود را از آلودگی‌ها دائما پاک نگه دارد، و مجتهدش را دائما بکوشد که پاک باشد.

امروز شما برادرها و خواهرها به طرف صندوقهای رای رفتید. این حرکت، این حرکت انسانی، این حرکت الهی از جنبه ایمانی، وظیفه و مسوولیت اجتماعی یک حرکت تسبیحی است، یعنی رای می‌دهید کسانی را که منزه‌ترین، آگاه‌ترین، مستشعرتربین افراد هستند، برای چه؟ برای تنظیم قانون اساسی، یعنی قانونی که بتواند محیط را از استعمار و استبداد و استثمار و ظلم و خودخواهی‌ها و امتیازجوییها پاک نگه دارد و وسیله رشد استعدادها را فراهم کند، این قانون خداست، خدا این را می‌خواهد، ما که می‌گوئیم قانون، قانون الهی یعنی همان اراده خدائی که به صورت قانون از زبان انبیاء، از زبان وحی، اراده‌اش را بیان کرده و نسبت به هیچ فردی، هیچ کسی، هیچ موجودی حب و بغض ندارد و همه را یکسان می‌بیند. همه موجود و معبود و پدیده او هستند و به همه علاقمند است، برای همه رشد و کمال و سیاحت می‌خواهد، همه می‌خواهد که تسبیحگوی او باشند، اینکه ما می‌گوئیم قانون اساسی ما قانون خداست، یعنی قانونی که از دماغهای بشر، احزاب، طبقه خاص، افراد معین نیست که به مصلحت گروهی، طبقه‌ای، فردی باشد و به زبان دیگران. یعنی قانونی که به مصلحت همه است، برای همه است، برای رشد همه، برای رشد همه مخلوقات و همه انسانها است. خطابه‌های قرآن هم اکثرا متوجه به همه مردم است. پس این حرکتی که شما می‌کنید، رایی که می‌دهید، کسانی که جمع می‌شوند و قوانین الهی را که صلاح و رحمت و خیر و برای همه است، استنباط می‌کنند و پیاده می‌کنند و قوانین طاغوتی، امتیازها، خودخواهیها و استثمارگریها و خودبینیها و قدرت‌طلبیها را طرد می‌کنند، این همین حرکت تنظیمی است، همین روزه شما که نشستاید حرکت تسبیحی است که فرمود: انفاکم فیها تسبیح، یعنی هروقت، هر آنی که از جهت احتیاج و نیاز به گرسنگی و آب، و تشنگی و آب احساسی دارید، و از جهت غریزی به آن طرف حرکت می‌کنید، ایمان، شما را می‌کشد به طرف حق، به طرف خدا، پس یک مسلم یک مومن: ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین. حرکتش برای خدا، زندگیش برای خدا، مرگش برای خدا، عبادتش برای خدا و اجتماعش برای خدا (است).

ما امیدواریم این حرکتی که امروز انجام شد عده‌ای از مردان صالح، مردان

خیرخواه، با سعه صدر باینش وسیع، با آشنائی به حوادثی که اطراف ما می‌گذرد و آشنائی به اراده خدا و مشیت الهی و اصول قوانین قرآن و اسلام بتوانند قانونی تنظیم بکنند که همه مردم را رو به سعادت و تزکیه و تسبیح پیش ببرد.

آفتاب سوزان است و برادران و خواهران ما به زحمت هستند. مطلب بسیار، وقت کم، آمادگی هم برای من چندان نیست، فقط چند نکته را تذکر می‌دهم که قبلا هم تذکر داده شده، یکی اینکه: مسلمانها، کسانی که تعبد دارید، ایمان دارید، عقیده دارید، در یک مسیر خاصی حرکت می‌کنید، اسلام همانطوریکه بارها گفتیم دین سعه صدر است، این بینش وسیع است، کتاب ما، وحی ما، نبوت ما، برای همه بشر است. کاری نکنید، بعضی آگاهانه یا ناآگاهانه، که این حقیقت، این اسلام پاک، این اسلام منزه این اسلام عزیز، این اسلامی که باید مردم دنیا را از انحرافات و شرکها نجات بدهد، به صورتی در بیاید که دشمنها به ما خرده‌گیری کنند، آن کسی که، آن دسته‌ای که به نام دین، به گروهی حمله می‌کنند، به جوامع آنها، محل‌سخرانی آنها، کتابخانه‌های بعضی از گروهها را مورد حمله قرار می‌دهند، اینها تصور نکنند خدمت به دین می‌کنند، یا مسلمانهای ناآگاه هستند یا آلت دستند و هیچ توجه ندارند، اعلامیه‌ها و پوسترها را پاره می‌کنند، همین کارهای کوچک، موضعی، در گوشه‌ای از تهران، در یک دهی، در یک قصبه‌ای در یک شهرستانی، بلندگوهای استعمار و اسرائیل و دشمنان، شروع می‌کنند همین را وسیله قراردادن که در ایران آزادی نیست.

هم هتک حیثیت اسلام است، هم هتک حیثیت رهبری است، آزادی نیست. در تاریخ انقلابهای دنیا، از انقلاب فرانسه و اکتبر و انقلابات دیگر نگاه کنید، در کدام انقلاب بود که همان صبح انقلاب، درها به روی همه مردم دنیا باز باشد، رفت و آمدها آزاد باشد، گروهها همه، آنهایی که در انزوا بودند همه بیرون بیایند و اظهار وجود کنند و کشتار دستجمعی نشود، همین منشاء حسد است برای دشمنهای ما، که چرا به این آسانی انقلاب کردند؟ چرا هر روز صدها، هزار کشته دادید، اطراف تحریک می‌کند، اینست که بعضی از روزنامه‌ها هم یک حادثه کوچک را به خط درشت! بعد هم ببینید روزنامه‌های غرب: آلمان، انگلستان، چرا، ما بعضی در پوست خودمان هستیم و متوجه نیستیم. این اعمال نه مورد رضای خدا است، نه مورد رضای پیامبر، و اولیای اسلام است، نه مورد رضای رهبری ماست، نه دولت ماست.

مسأله دوم: در این حوادثی که از بعد از انقلاب از کردستان شروع شد:

ترکمنستان، جنوب، متأسفانه، متأسفانه انگشت بعضی از گروههای چپ، یا چپ‌نما در تمام این حوادث دیده شده است، من سعی کردم اطلاعاتی را که افراد بیطرف و بینظری جمع آوری می‌کردند، افشا نکنم، برای حفظ وحدت، برای اینکه شاید توبه بکنند، شاید بخود بیایند، شاید متوجه بشوند ولی متأسفانه می‌بینیم که هنوز هم این دستها در کار است و اگر بیش از این به اعمال خودشان ادامه بدهند، برای همه ملت ایران کسانی که اطلاع دارند، افشاگری خواهند کرد، چه می‌کنند؟ ببینید برنامه به یک صورت خاص انگشتهائی، دستهای در کار می‌آید، نقات فی‌العقد، خناسها شروع می‌کنند بین دو گروه به اسم (شیعه - سنی)، (کرد - عرب)، (کرد - ترک)، (فارس - ترکمن) شروع می‌کنند این عقیده‌ها راهی تهییج کردن و بعد کم‌کم اینها مقابل هم قرار می‌گیرند.

از دنیا و از انقلاب غافل می‌مانند و در این میان یک گلوله ناشناسی شلیک می‌شود و یکنفر این وسط به خاک و خون می‌غلطد، بعد به هم می‌ریزند همان عوامل، همان کسانی که از خارج تحریک می‌کنند و از داخل با آنها همکاری می‌کنند. این برنامه در سنندج، در مریوان، در گنبد در همه جا به یک صورت اجرا شد، یک برنامه معین و یک عده‌ای از چپ‌نماها هم دستشان در کار بوده است، البته دیگران هم گناه داشتند، تقصیر داشتند.

آخرین سخن من، پیام من به برادران کرد ماست، برادران کرد، خواهران کرد، ما می‌دانیم در طول تاریخ، بلکه قرن‌هاست، شما از حقوقتان محروم مانده‌اید، به شما رسیدگی نشده، تحت فشار باقی ماندید، ما می‌دانیم که از زمان عثمانیها در تحت فشار واقع شدید، از حقوقتان محروم ماندید و این وضع ادامه پیدا کرد، در هر زندانی که ما رفتیم شما برادران کرد و مبارز بودید سابقه مبارزه دارید، کسانی که با ما تماس دارند، از پیشوایان دینی، رهبرهای دینی، مردمان منزه، مردمان باتقوا، مردان پرهیزکار، شخصیت‌های سیاسی آنها هم همین‌طور، نمی‌دانم چرا باید این حوادث در کردستان تکرار بشود؟ و این حیثیت و این شخصیت و این سابقه مبارزه سرزمین شجاعان کرد ما را منکوب کند و هی روزنامه‌های خارج بنویسند کردها چنین کردند، کردها چنان کردند، چرا برادرها، خواهرهای کرد آلت دست یک مشت فرصت طلب یک مشت دزد‌های فراری و یک مشت مردم بی حساب و خودخواه واقع می‌شوید. بس است دیگر راضی نشوید که روی شما کردها معامله کنند، گاهی به اینطرف گاهی به آنطرف، به خود بیاغید، حقوق شما مثل

حقوق دیگر برادران ایرانی است هیچ فرقی ندارد، اگر محرومیت هست، برای همه‌جا هست، آن دهات، اون ده کرد که محرومیت‌هایی دارد آیا محرومیتش بیشتر از جنوب تهران است؟ که مرکز ایران است! مرکز قدرت؟ ولی این مسائل است که باید به تدریج انجام بگیرد، اصلاح بشود. انگشت‌ها را مراقب باشید، آلت دست نشوید، حیثیت و شرافت و سوابق خودتان را نگه دارید، شما مرزدارهای اسلامید، شما مرزدارهای ایرانیید. شما ایرانی اصیل هستید، شما فرزندان و باقیماندگان صلاح الدین ایوبی هستید. آن صلاح‌الدینی که با یک عده کردی که همراه خود برداشت و دیگر مسلمانها، جلو آن موج عظیم صلیبی‌ها را گرفت، آن قدرت، آن شخصیت، آن بزرگواری، آن گذشت‌ها، شما از طایفه او هستید و پیش ما ایرانیها همه مکرم هستید تقاضای مشروعتان از شخصیت رهبری از دولت آنچه بتوانند در حق شما کوتاهی نمی‌کنند.

ما امیدواریم دیگر قضایائی مانند سنندج و مریوان، و نرده تکرار نشود. سلام ما درود ما به همه برادران مسلمان ما، همه سهم بزرگی در این انقلاب دارند و همه مسوول پاسداری و نگهداری این انقلاب هستند و امیدواریم وسوسه‌ها و دمش‌های شیطانسی در روحیه ما تاثیر نکند و در یک محیط عالی و پاک و آزاد اسلامی، حقوق همه برآورده بشود، بار پروردگارا، به همه ما توفیق فهم دین، خدمت به اجتماع، خدمت به مردم، پیشبرد این انقلاب عظیم عنایت بفرما، همه ما را در کف هدایت خودت حفظ بفرما، رهبرهای دینی و سیاسی ما را در طریقی که صلاح می‌دانی هدایت بفرما، رهبر عظیم ما را، خداوندا از آفات حفظ بفرما تا بتواند ثمره این انقلاب را در مدت عمر و حیات خودش ببیند، خداوندا او را از اتهامات، الهامات به‌خیر، هیچگاه محروم مدار، پروردگارا گذشتگان ما را بیامرز، خداوندا اتفاق - اتحاد - یگانگی در بین ما حاکم بگردان.

دستهای نفاق افکن، اختلاف افکن، کوتاه بگردان، دولت‌مارا خداوندا به آنچه صلاح ملت است بیشتر موفق بگردان، وبا همکاری و همدستی دولت و ملت خداوندا این مشکلاتی که در طریق انقلاب ما است خداوندا آسان بگردان، یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله حق تقاته و لا تموتن الا و انتم مسلمون و اعتصموا بحبل الله جمیعا " و لا تفرقوا و اذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا "

و در ضمن فراموش نکنید این پاسداران عزیز ما را خداوندا تائیداتشانرا بیشتر بگردان، آنهایی که شب و روز برای خدا، برای پیشبرد این انقلاب، جان در کف بدون هیچ توقمی و انتظاری امنیت این کشور را توانستند حفظ بکنند و از پایه‌ها و ستونهای

عظیم انقلاب ما همین پاسداران ما هستند ارتش ما هستند ، امیدواریم ارتش ، پاسدارها ،
ژاندارمری ، شهربانی ، همه آنها با همکاری و همدستی خود هم امنیت داخل را حفظ
کنند ، هم مرزهای اسلامی را .

والسلام علیکم ورحمت اللہ وبرکاتہ .

نماز سوم (جمعه ۱۹ مرداد ۱۳۵۸ - ۱۶ رمضان ۹۹)

"بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله رب العالمين، باري الخلاق اجمعين،
فاطر السموات والارضين ، اشهدانه لا اله الا هو وحده لا شريك له ، له الملك وله الحمد ،
يحيى ويميت ويحيى ويميت وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير .
ونصلي ونسلم على عبده ورسوله ، السراج المنير ، رحمة للعالمين وبشيرا "وتذيرا"
للناس اجمعين ، وعلى آله واصحابه وخلفائه والائمة المعصومين من ولده الذين هم كلمة
التقوى و اعلام الهدى العروة الوثقى والحجج على اهل الدنيا و على القائم بالحق
الحاكم باكتاب ، الحابس نفسه على ذات الله آخر خليفته و حججه على عباده ، اعوذ
بالله من الشيطان الرجيم

"يا ايها الذين آمنوا استجبوا لله وللرسول اذا دعاكم لما يحييكم واعلموا ان
الله يحول بين المرء و قلبه و انه اليه تحشرون . واتقوا فتنة لا تصيبن الذين ظلموا منكم
خاصه و اعلموا ان الله شديد العقاب . (انفال / ۲۴ و ۲۵) .

ای کسانی که به یک حقیقت برتر و عالمی و جهانی بالاتر ، و برای انسان مقامی
والا تر ، معتقدید ، ایمان آورده اید ، اجابت کنید ، بپذیرید خدا و رسول را آنگاه که شما
را می خوانند و آنچه را که شما را زنده می دارد . آنچه را که دعوت دین و کتاب ما
و پیامبر ما و اولیاء ما بر آن است زنده نگهداشتن و رو به زندگی بردن مردم است . .
معتقدات ما ، احکام ما ، دستورات ما ، عبادات ما ، زندگی اجتماعی ما ، بر محور
حیات است و حرکت حیات سری است ، مرموز . اثر ظاهر حیات حرکت است و رشد است و
نمو - دفع و جذب - یک موجود زنده دارای چنین خاصیتی است : دفع از نا ملایم ، غیر
صالح ، نامتناسب ، و جذب آنچه که ملایم است و متناسب است برای رشد و نمو . دعوت ما ،
دعوت انبیاء بر همین اساس است که انسانها زنده شوند . انسانها که غرائز ، شهوات ، شرک ،

آنها را از حرکت و نمو باز داشته است، رو به حیات و حرکت بروند. چه زندگی فردی چه زندگی اجتماعی. یک فرد زنده، اولین اثر زندگی در انسان زنده و در فرد زنده همین است که آنچه را که مانع رشد و حرکت فکری اوست دفع کند و آنچه برای رشد و حرکت فکری و اخلاقی اوست جذب کند. یک تجمع زنده این خاصیت را باید داشته باشد یعنی: حرکت حیاتی: شکوفاشدن استعدادها و جذب آنچه از علوم و سرمایه‌های طبیعی برای رشد خود (لازم دارد) و دفع آنچه که ناملایم است، نامتناسب است. هر قانونی هر رهبری، هر اندیشه‌ای که انسانها و جامعه را زنده کند همان قانون خداست. قانون خدا برای زنده نگه داشتن و رو به زندگی بردن بیشتر فرد و اجتماع است. پس هر قانونی که فرد و اجتماع را زنده ندارد، هر چه خاصیت دفعی و جذبی او را قوی‌تر کند زنده‌تر و پایدارتر است. قوانین اساسی ما باید بر همین پایه باشد، اگر در نصوص ما و در روایات ما و سنت ما درباره مسائل روز صراحتی نباشد (زنده کننده به شمار نمی‌آید)، این معیار قانون اساسی یک اجتماع ایمانی و زنده است یعنی هر قانونی که جامعه را از تهاجم و از ناملايمات و از فساد حفظ کند و آنچه صالح است جذب کند آن قانون، قانون خدا است معیار قانون ما، قانون اجتماعی ما، قوانین فردی ما همین است.

"واعلموا ان الله يحول بين المرء و قلبه، بدانید که گاه شما از درون قلب خود بیخبرید. شرک، فساد و گناه، حرکت قلبی و وجدانی شما را از کار می‌اندازد و بدانید که منتها الیه چشم انداز حرکت شما به طرف حق است.

"وانه اليه تحشرون، و اتقوا فتنة لا تصيبن الذين (ظلموا) منكم خاصة.

در برابر فتنه‌ها، تحریکات نباید ساکت بنشینید نتیجه فتنه‌ها عذابهای است که به اجتماع برمی‌گردد و اجتماع را دچار انحطاط، سقوط و رکود خواهد کرد و کسانی که در برابر فتنه‌ها ساکت می‌نشینند این را بدانند که نتیجه فتنه‌ها فقط به ظالم‌ها بر نمی‌گردد.

واتقوا فتنة لا تصيبن الذين ظلموا منكم خاصة و اعلموا ان الله شديد العقاب.

غفر الله لنا و لكم و وقفنا لما يحيينا و لما يحب و يرضى.

والسلام عليكم ورحمة الله و بركاته

خطبه دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي يسبح له ما في السموات وما في الارض الملك القدوس، العزيز الحكيم
والصلوة والسلام على نبيه، المبعوث، ليتلوا على الناس آياته و يذكهم ويعلمهم الكتاب
والحكمة و ان كانوا من قبل لفي ضلال مبين.

والصلوة والسلام على جميع الانبياء والمرسلين والملائكة المقربين و اولياء الله
الطيبين الطاهرين و على الحاضرين و رحمة الله و بركاته.

تسبیح، یسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض. آنچه در آسمان‌ها و زمین
هستند تسبیح گویانند و عملشان، به شعور طبیعی و فطری، در حد وجودی که دارند، تسبیح
خدای می‌گویند، ولی ما درک نمی‌کنیم.

جمله ذرات زمین و آسمان با تو می‌گویند پیدا و نهان

ما سمیعیم و بصیریم و هشیم با همه نامحرمان ما خامشیم

این دید وحی، دید قرآن است، دید جهان بینی ماست، همه عالم در حرکت اند
و همه ذرات کوشش دارند که خود را، از بدی، از پلیدی، از نقص برهانند، یک آن
سکون و بی حرکتی نیست. حرکت در چه جهت؟ در جهت قدرت، در جهت تنزه، در جهت
پاکی و کمال. این حقیقت تسبیح است که همه عالم را فرا گرفته.

من فی السماوات و من فی الارض، ما فی السماوات و ما فی الارض، من فی السماوات
و من فی الارض، ما فی السماوات و ما فی الارض.

همین زمین که ما را دربر گرفته، مادر بزرگ ماست و همه موالید با این حرکات
خود را در آغوش گرفته است و در این فضا با چه سرعتی در حرکت است، و فراورده‌های
مختلف، گوناگون، تسبیح گوست یعنی دائما "موالید خود را از روشنایی به تاریکی برای
سکون و آرامش، از تاریکی به روشنایی، از سردی به گرمی و حرارت، از حرارت به سرما برای
اینکه موجودات آرامشی پیدا کنند.

در هر نقطه زمین که نگاه بکنیم، می‌بینیم یک نقطه تاریک، یک نقطه روشن، یکجا
شب است، یکجا روز، یکجا زمستان، یکجا تابستان، یکجا بهار، یکجا پاییز. این در حرکت
زمین است. حرکت تسبیحی که با طرب در این عالم، در این فضا دارد سیر می‌کند و موالید
خود را می‌پروراند و از ضعف می‌رهاند و به سوی کمال و به سوی بقاء پیش می‌برد،

اما در میان این عالم که همه تسبیح گو هستند زمین و آسمان و نسیم و حرکت

دریاها و طوفانها، همه برای پاک کردن ساحت عالم از پلیدی و نقص و فساد است، یک موجود به اسم انسان در وسط این عالم خود را با اختیار و اراده، ناقص می داند به پلیدی‌ها خود را آلوده می کند، غرائز و شهواتش بر عقل و فطرتش غالب می شود. اسلام، قرآن می گوید "هو الذی، همان خدا، همان خدائی که یسبح له ما فی السموات و ما فی الارض همان خدائی که الملك القدوس العزیز الحکیم از همان مبداء عزت، حکمت، قدوسیت، ملوکیت، برانگیخت پیامبری را تا این انسانهای واژگون، انسانهای راکد، انسانهای ساکن، انسانهای آلوده به شرک و کفر و گناه و پلیدی را برهاند و هماهنگ با همه عالم کند. همه عالم با هم هماهنگ اند. ولی انسان است که ناهماهنگ، خود را با حرکت و نظام عالم می نماید. هو الذی بعث فی الامیین. همان خدا، همان خدا برانگیخت در میان مردمی امی، مادرزاد، بی سواد، مردمی که در تحت تأثیر هیچ قانون و نظامات معمول بشری نبودند، مردمی که متأثر از هیچ علم و مکتبی نبودند، مردم فطری، مردمی که خودشان بودند و فطرتشان در مقابل این جهان بزرگ و جهان عظیم در میان چنین مردمی، از میان چنین مردمی، برانگیخت رسولی را: هو الذی بعث فی الامیین رسولا" منہم

از روم و ایران و مکتبهای دنیا و مردمی که تحت نفوذ و قدرت قوانین و حاکمیت نظامات معمول اجتماعی بودند برنینگیخت، مردمی که در بیابان زندگی می کردند، فطری بودند، خودشان بودند و این عالم، در میان اینها برانگیخت پیامبری را تا آنها را تزکیه کند. قضاوت درست از همین مردم است، آن مردمی که می توانند حق را درست بفهمند آنهایی هستند که تحت تأثیر مکتبی و نظاماتی و قوانینی واقع نشدند، قوانین غیر الهی. آنهایی که خون می دهند، آنهایی که صدای انبیاء را درست می فهمند، درک می کنند، با تمام شعورشان همین مردم امی هستند. درس خوانده‌های ما اغلب گرفتار چهارچوب دیدهای مکتبی خودشان هستند، آنهایی که در نظامات دنیا واقع اند، تحت تأثیر قدرتهای طاغوتی اند و سایه این قدرتها بر فکر و اندیشه و فطرتشان گسترده شده، مگر به این زودی می توانند باور کنند، مگر جامعه ما اکثرا "می تواند به این زودی باور کند که جامعه ای آزاد است و باید رو به تزکیه برود؟ هنوز سایه طاغوت و شرک و شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله در اکثر افکار باقی است، باید یک نسلی یک دوره‌ای و یک تحولاتی تا بتدریج این رسوبات برطرف شود، تا تزکیه بشوند. این درگیرها، این دعوها، این جنگ‌ها، این ناباورها، این دروغ گفتن به یکدیگر، شهرت طلبی اینها همه از آثار سایه طاغوت است. یک نظام فرو ریخت ولی گرد و غبارش هنوز در چشمهای ما هست، دور خودمان می گردیم به همدیگر تنه می زنیم،

توسر همدیگر می زنیم، اکثرا "یک حقیقت را می خواهیم و آن نجات از تاریکی به نور است. "الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور" چرا، برای اینکه هنوز در گرد و غبار آثار خرابه طاغوتها و استبدادها هستیم. هنوز ما می خواهیم به یکدیگر حاکمیت داشته باشیم، آن حزب به آن حزب، آن جمعیت به آن جمعیت، آن فرد به آن فرد. "لیزکیهم" تا این مردم فطری را تزکیه کنند، عقول اینها را از شرکهای که وارد شده در جزیره العرب، پاک کند، نفوس اینها را از رذائل خلقی منزله بدارد اجتماع اینها را از فاسد و مفسد و مستکبر و خودخواه و مستبد و مستأثر و ظالم یکسره پاک کند.

این هدف این نبوت است، هماهنگی با عالم، تزکیه نفوس و اجتماع، تزکیه عقول، تزکیه انسانها از آثار شرک. لیزکیهم. "یتلو علیهم آیات" مرحله اول تلاوت آیات است. یعنی آشنا کردن انسان با این جهان بزرگ، انسانی که در پوست خودش منزوی شده و خودش و جهان را فراموش کرده، این آیاتی که آیت و آیات وحی است و مترجم آیات وجود است، این آیات را بی دریبی تلاوت می کند تا مغزها آماده شود، تا ارواح آماده بشود، تا نفوس آماده و تزکیه بشود، تا تابش وحی (بر آن بتابد) همانطوری که یک زمینی را اگر بخواهید برای کشتی مستعد کنید باید قبلا "مدتها در پرتو نور قرار بدهید تا زمین آماده بشود" یتلو علیهم آیات

آیات وحی یعنی آیات وجود را بر اینها تلاوت کند تا ذهنها پاک بشود. انسانی که از خود و جهان بیگانه شده، با عالم آشنا بشود، با این ستاره‌ها، با این حرکات شبانه روز، با این نظامات عالم، با همه اینها آشنا بشود، جزء عالم بشود. انسانی که خودش را از عالم به کنار کشیده و در افکارش، در شهواتش و در تخیلاتش منزوی شده - "یتلو علیهم آیات". بعد از تلاوت آیات، تزکیه است زمین را باید پاک کرد، از علفهای هرزه، از ریشه‌های بی مصرف و بیخود، از سنگ و کلوخ و خاکهای نامساعد پاک کنند. این مرحله دوم "یزکیهم"، بعد آماده شدن. هدف نهائی چیست؟

"یعلمهم الكتاب والحکمه" همه دارای عقل صحیح بشوند، همه درست قضاوت کنند، همه، همه چیز را درست بفهمند، کتاب، قوانین، نظامات زندگی، سنن عالم را خوب درک کنند و عقلها و افکار شکوفا بشود و دارای حکمت، عقاید محکم، اخلاق محکم، پابرجا و ریشه دار (بشوند).

این نتیجه بعثت این پیغمبر است، اگر اجتماع را می خواهد از ظلم و استثمار و استعمار پاک کند، تنها این نیست که خوب بخورند. تنها این نیست که همه زندگیشان از جهت

مادی مرفه‌شود. این مقدمه است، تزکیه مقدمه است برای یک هدف نهائی و عالی، و آن تعالی انسانهاست به طرف علم و حکمت. این دید ماست. این مکتب ماست، این شناخت ماست. هرکه با این دید موافق است با مکتب ما موافق است.

"یعلمهم الكتاب والحکمة وان كانوا من قبل لفي ضلال مبين و آخرین منهم لما يلحقوا بهم."

پیشتازان مجتمع عالی اولی از این مردم تشکیل شد. از این پیشروان، از این مردان حق، از این تزکیه شده‌ها، از این مردمی که وحی مثل کبریتی بود که یک مرتبه آنان را مشتعل کرد. آن صداقتی که از این نبی دیدند. آن راستی، آن اعجاز وحی یک مرتبه تمام جزیره العرب را محترق کرد و پیش رفتند. عده‌ای از پیشروان، پیشتازان بودند، این وحی، این نبوت ممکن است بعد از این حالت رکود پیدا کند، افکار و اندیشه‌های مختلف در او وارد بشود، به قصرها برود، به کاخها برود، از سیر اصلی برگردد، ولی بعد کسانی باز مبعوث خواهند شد که دنبال همین حقیقت را خواهند گرفت. اینها هم دو مرتبه پیشتازند.

به‌شما ایرانیان بشارت که وقتی این آیه نازل شد یکی از اصحاب پرسید: یا رسول الله این "آخرین منهم" مردمی که بعد به این پیشتازها و پیشروان اول در فترت‌های زمان ملحق خواهند شد و پرچم توحید و تزکیه و تعلیم را بدست خواهند گرفت کیانند؟ اشاره نبرد و یا دست گذاشت به‌شانه سلمان، فرمود مردم این شخص: مردم مملکت این آدم. این بشارتی است. شاید امروز یکی از همان بشارتها تحقق پیدا کرده، شما باید مشعلدار توحید و اسلام در دنیای کفر و شرک و ماده‌پرستی باشید تا دنیا را نجات دهید، همانطوری که بعد از قرن اول اسلام ایرانیها بودند که اسلام را توانستند شکوفا کنند.

این همه علماء، این همه فقهاء، این همه اخباریون، این همه فلاسفه، این همه متکلمین، اغلب از شما ایرانیها بودند "و آخرین منهم لما يلحقوا بهم" از اینجهت باید متوجه باشیم ما مسوولیت سنگینی داریم. نه مسوولیت اجتماع خودمان، بلکه مسوولیت رهبری دنیا "كذلك جعلناكم امة وسطا لتكونوا شهداء على الناس و يكون الرسول عليكم شهيدا"

این دنیای سرگردان، این دنیای متحیر، این دنیای شرک و بت‌پرستی، انواع شرکها، بت‌پرستی‌ها، ماده‌پرستی‌ها، شاه‌پرستی‌ها، در اثر حرکت، در اثر جلورفتن بشر، اینها خود بخود همه سقوط کردند و می‌کنند، ولی یک شرک در دنیا فعلا "سایه‌افکنده، آنهم ماده‌پرستی

است. ماده‌پرستی بتمام معنا، اصالت ماده، مفروض یا مظهر ماده، پول و سرمایه: مسلمانهای دنیا امروز یک چنین رسالتی دارند که از این شرک قرن مردم دنیا را نجات دهند.

یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الكتاب والحکمة و ان كانوا من قبل لفي ضلال مبين غفر الله لنا ولكم. ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به و اعف عنا و اغفر لنا و ارحمنا، انت مولانا فانصرنا على القوم الكافرين. رب اغفر لي ولوالدي ولمن دخل بيتي مؤمنا و للمؤمنين و المؤمنات و لا تزد الظالمين الا تبارا.

ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذين سبقونا بالايمان ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين آمنوا "خدایا از ما بگذر، ما را عفو کن. پروردگارا آنچه که خیر و رضای تست، آنچه که وسیله حرکت و حیات اجتماع ما است به ما الهام بفرما! رهبرهای عظیم ما، رهبر بزرگ ما، همه اینهارا در تحت توجهات و عنایات و الهامات برای نجات این ملت و برای نجات مستضعفین و دچار شده‌های به شرک، خدایا موفقشان بدار.

پروردگارا همه ما را به آنچه که رضای تو در آنست هدایت بفرما. دولت و ملت ما را برای نجات کشور و برای پیشبرد این اجتماع بپا خاسته برای همان هدفهائی که قرآن بیان کرده است مؤید و متصور شان بگردان.

* * *

هفته آینده را حضرت آیه‌الله امام خمینی اعلام فرمودند برای همبستگی تمام جهان اسلام با مساله فلسطین که مساله بسیار مهم بزرگی، از جهت وضع دنیا و از جهت وظائف مسلمین، بخصوص مسلمانهای دنیا وظیفه بسیار مهمی است که برعهده فرد فرد مسلمانهای دنیاست، برنامه هفته آینده که روز جمعه آخر ماه است، همانطور که فرمودند، انشاء الله بعد تنظیم خواهد شد.

من مایلیم بیشتر از این قدری صحبت می‌کردم. هم حال داشته باشم و هم شما آمادگی داشته باشید. بیشتر مطالبی که باید عرض کنم، ولی هوای گرم و الحمد لله قبل از آمدن من هم برادر عزیزمان جناب آقای مجتهدی شبستری و هم آقای مهندس بازرگان که هم نخست‌وزیرند و هم مرد سیاستند و هم مرد دانشگاهی هستند و هم مفسر قرآن و فقیه در دینند، دیگر ما نمی‌دانیم چه جور نمونه‌ای باید داشته باشیم، شما را به مسائلی که باید متوجه کردند و من بیش از این مزاحم نمی‌شوم. والسلام علیکم ورحمت‌الله و برکاته.

چهارمین نماز جمعه (روز مخصوص قدس) ۲۳ رمضان ۱۳۹۹

خطبه اول :

بسم الله الرحمن الرحيم

عليه توكلت و اليه المصير . الحمد لله المالك الملك يوءت الملك من يشاء وينزع الملك ممن يشاء و يعز من يشاء و يذل من يشاء بيده الخير و هو على كل شيء قدير الصلوة والسلام على جميع الانبياء والمرسلين والشهداء والصالحين و على عبده الموءيد ، الخاتم بما سبق والفتاح بما استقبل معلن الحق بالحق ، بالقاسم محمد و على آله الطيبين الطاهرين والائمة المعصومين واصحابه المنتجبين و خلفائه الصالحين . يا ايها الذين آمنوا استجبوا لله و للرسول اذا دعاكم لما يحييكم و اعلموا ان الله يحول بين المرء و قلبه و انه اليه تحشرون و اتقوا فتنة لا تصيبن الذين ظلموا منكم خاصة و اعلموا ان الله شديد العقاب .

در خطبه نماز جمعه - همانطوریکه بارها تذکر داده شد - چون جزء نماز است ، سکوت و شنیدن واجب است . ما در این روز استثنائی "قدس" از برادران و خواهران و از مأمورین و پاسداران تقاضا می‌کنیم که سکوت را مراعات کنند . عظمت این نماز . در همین همبستگی ، خشوع و خضوع و آرامش و سکوت و توجه به خدا و آیات خداست . " کسانیکه ایمان آورده‌اید اجابت کنید خدا و رسول را به آنچه که شما را می‌خواند و زنده می‌دارد . " همانطوریکه در هفته قبل عرض کردم خصوصیت دعوت انبیاء و دعوت ادیان و احکامی که به مردم ارائه می‌کنند ایجاد روح تعالی و حرکت ، دفاع و جذب است . خاصیت حیات ، حرکت است و نمو است . دفع است و جذب : دفع آنچه مزاحم و ناملازم و آفات است و جذب آنچه مصلحت است برای رشد و حرکت جامعه اسلامی و همه بشر . بعد از این تذکر ، آیه بعدتذکر دیگری می‌دهد : در برابر این دعوت عظیم ، دعوت حیات بخش

از فتنه‌ها و درگیری‌ها بپرهیزید. فتنه‌هایی که هم فتنه‌گرها و آتش‌افروزها را از میان خواهد برد و هم کسانی را که در مقابل چنین فتنه‌هایی سکوت می‌کنند.

برادران، خواهران، ملت ایران، امروز ما در برابر فتنه‌ها قرار گرفته‌ایم. عناوین مختلف، شعارهای مختلف. هرروز از یک گوشه‌ای آتش افروزان و ابالهب‌ها آتش می‌افروزند، و هرروز مزاحمتی ایجاد می‌کنند و بدون هیچ منطق و هیچ دلیل و هیچ درخواست روشنی و هیچ مطلب واضحی باکمال بی‌شرمی و وحشیانه دست به برادرکشی می‌زنند. خاموش کردن این فتنه‌ها، از میان بردن فتنه‌جوها، به دست شما برادران و خواهران مسلمان است. که در این مرحله تاریخی مسوولیت بزرگی را برعهده دارید، و مهمتر، مراقبت از فتنه‌هایی است که هرروز در گوشه‌ای آتش آن مشتعل می‌شود. بنام چپ و بنام راست به اسماء دیگر و بدون منطقی جز وحشی‌گری جز کشتار، جز ایجاد فتنه، جز متوجه کردن افکار و اندیشه‌ها و خیالات همه مسلمانها به مرکز فتنه، تا از مسائل دیگر غافل بمانند و دولت و ملت را در این حرکت انقلابی و مسیری که در پیش دارند فلج کنند و تقوا فتنه لاتصیبین الذین ظلموا منکم خاصه واعلموا ان الله شديد العقاب.

ای فتنه‌جوها، ای عاملین دست اجنبی و صهیونیسم و امپریالیسم، ای از خود بیخود شده‌ها ای کور و کرها ای کسانی که نه مصلحت خود را می‌بینید نه آینده خود را، منتظر عقاب پروردگار باشید، خداوند شدیدالعقاب است، عقابی که از وجدان و از قلوب این مردم رنج دیده شهید داده محروم شعله‌ور خواهد شد.

بسم الله الرحمن الرحيم

"تبت يدا ابي لهب و تب". کوتاه باد دست آتش افروز ابي لهب. "ما اغنى عنه ماله و ما كسب" نه ثروتی که جمع کرده و نه دارو دسته‌ای که براه انداخته او را نخواهد بی‌نیاز کرد و نجاتش داد "و امرأته حمالة الحطب". آنها که تحت تأثیر اینان هستند و آتش بیار، جز وزر و بال چیزی برایشان نمی‌ماند "فی جیدها حبل من مسد" در شعار اینها، در آنچه که می‌گویند، آنچه که به گردن می‌آویزند، همه، نشاندهنده شیطانهای است، ابا لهب‌هایی است که بصورت انسان درآمده‌اند.

غفرالله لنا و لكم و وقفنا لما يحب و يرضى و يجعلنا من المجاهدين فی سبيله.

السلام علیکم ورحمة الله و بركاته

خطبه دوم نماز جمعه ۲۳ رمضان ۱۳۹۹ (روز مخصوص قدس)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذی یؤمن الخائفین و ینجی المصالحین و یرفع المستضعفین و یضع المستکبرین و یهلك ملوکا و یتخلف آخرین. الصلوة والسلام علی جمیع الانبیاء والمرسلین و علی خاتم النبیین، السراج المنیر، البشیر النذیر و علی آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اصحابه المنتجبین.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

سبحان الذی اسرى بعبدہ لیلاً " من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکنا حوله لئریه من آیاتنا انه هولسمیع البصیر و آتینا موسی الکتاب و جعلناه هدی لبنی اسرائیل الا تتخذوا من دونی وکیلاً.

بار دومی است که به نام قدس، به نام سرزمین مقدس فلسطین، در همین دانشگاه دور هم جمع می‌شویم و همین آیات را تلاوت می‌کنیم. آن بار جمعیتی محدود و این بار جمعیتی نامحدود، این مسأله بیدستور و ابتکار و سعه نظر رهبری ما و دولت ما، از ایران انقلابی شروع شد که روزی به نام روز قدس - نه در سطح کشور که در سطح کشورهای اسلامی و همه مسلمانهای مسوول و متعهد - باشد. روز همبستگی؟ روزی است که ما مسلمانان ایران با صدای بلند و بدون مانع، دعوت مظلومین فلسطین و قدس از دست رفته را اجابت می‌کنیم - فرمود:

ان المؤمنین فی تعاونهم و تعاضدهم کالراس من الجسد اذا اشتکی تداعی علیه سائر الجسد بالسهر و الحمی.

همه مسلمانها در هر جایی که هستند در تعاونی که با یکدیگر دارند، تعاضدی که دارند تراحمی که دارند همه مانند سری هستند از پیکری، آنگاه که شکایت کند و بدرد آید. هر عضو بدن انسان وقتی به درد آمد و بوسیله اعصاب شکایت خودش را به مراکز فرماندهی و اعضاء دیگر رساند، همان عضو رأس میشود و همه اندیشه و فکر و چشم و گوش متوجه همان عضو آسیب دیده می‌شود تا آن را نجات بدهد. چرا؟ برای اینکه اگر آن نجات پیدا نکرد همه اعضاء فلج می‌شود. باید مسلمانهای دنیا بدانند همه عضو یک پیکرند و گمان نکنند با بی تفاوتی و بدون توجه به درد مسلمانهای دیگر می‌توانند خود را حفظ کنند و

از رنج و درد آفاتی که متوجه آنهاست نجات پیدا کنند. سوره اسری (بنی اسرائیل) چنین شروع می‌شود: پاک و منزّه است آن خدائی که سیر داد پیامبر خودش را از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی برای اینکه آیاتی را که در پیرامن مسجد الاقصی است از نزدیک به این رسول عظیمش ارائه دهد. خدای سمیع و بصیر، خدائی که با این دو صفت سمیع و بصیر می‌خواهد بندگانش بینا و شنوا باشند: "انه هو السميع البصير" این سیر معنوی، این سیر معراجی این سیری که از مسجد شروع شد و به مسجد ختم شد برای چه بود؟ برای تزکیه این دو مسجد بود. این دو مرکز توحید این دو منبع، که در دنیای شرک و کفر و ظلم و بت پرستی‌ها باید در بین شرق و غرب بانگ توحید را و تعهد انسانها را به همه دنیا اعلام کند، این دوریه‌ای که باید زندگی و هوای پاک را بدرون انسان برساند و از این دو معبد بزرگ، دو مسجد، دو مرکز توحید الهام بگیرد، دو مرکزی که شرک و خودخواهی آلوده‌اش کرده بودند، خانه کعبه بت‌خانه شده بود و خانه قدس، بیت المقدس مرکز خودخواهی‌ها، امتیاز جوئی‌ها، برتری نژاد و مرکز جنگ‌ها و درگیری‌های چند هزار ساله. خدا پیغمبرش را، این رسول خاتمش را فرستاد که این دو مرکز را به وضع اول برگرداند. دوجائی که همه برای خدا سجده کنند و از بند هر عبودیتی رهایی یابند. قبله اول اسلام به طرف بیت المقدس بود، برای اینکه فهمانده شود که آنجا هم قبله اسلام است، قبله توحید است. مکه و کعبه هم قبله اسلام است. این وظیفه بزرگی است که خدا بر عهده پیغمبرش و بعد به عهده پیروان این دین و آئین گذارده که این دو مرکز را پاک نگهدارند و دوطرف راه بشر را همیشه زنده نگاهدارند و این دو منبع توحید، که مؤسسش انبیا بزرگ بودند، همیشه محل ندای توحید بطرف شرق و غرب دنیا باشد ولی صهیونیزم چه کرد؟ همان چیزی را که انبیا می‌خواستند، صهیونیزم بعکس کرد. مرکز شرک، خودخواهی، خودبینی نژاد پرستی، خیانت، ظلم، خشونت، وحشی‌گری. مسأله بیت المقدس مسأله‌ای نیست که فقط مربوط به مسلمانان یا مسیحیان باشد. مسأله انسان آزاد دنیاست، مسأله همه ادیان الهی است. همه مردم دنیا برای نجات بیت المقدس و حاکمان آن، نگهبانان آن، که فلسطینی‌ها باشند، باید قیام کنند. همه با یک صدا، با یک فریاد، با یک مشت این مرکز توحید را که تبدیل به مرکز شرک و خودخواهی شده است پاک کنند. یهودیان و کلیمیان متدین و مقدس هم باید از این وضع صهیونیست‌ها و روش آنها متأثر باشند، برای اینکه در این دنیای تزلزل فکری اعتقادی و دنیای شک و تردید، اینها می‌خواهند چهره انبیا را بنمایانند، یعنی این صهیونیست‌ها، خودشان را وارث انبیا می‌دانند: ابراهیم خلیل بت شکن و منادی توحید و انبیا بنی اسرائیل که برای آزادی بشر

قیام کردند. اینها چهره انبیا را هم خراب می‌کنند. ای برادران کلیمی، ای کلیمی‌های باایمان، این خطر صهیونیزم متوجه عالم اسلام و مسیحیت نیست، متوجه شماست. چهره انبیا و همان پیامبری که قرآن می‌فرماید و آتینا موسی الکتاب وجعلناه هدی لبنی اسرائیل الا تتخذوا من دونی وکیلا ما تورات را فرستادیم برای اینکه به بنی اسرائیل بگوئیم جز به خدا اتکاء پیدا نکنند.

یک مشت مردم از گوشه و کنار دنیا جمع شدند و مکتبی را درست کردند که مخرب مکتب همه انبیا و ادیان است نباید بجنبند. همه ادیان؟ اینها هستند که چهره انبیا را خراب کرده‌اند. اینها هستند که توحید خالص را تبدیل به شرک و خودپرستی کرده‌اند. بیت المقدس را که از آن همه ادیان الهی اسلام، مسیحیت و یهودیت است به انحصار خود گرفته‌اند. این مرکز باید از لوٹ صهیونیزم پاک شود. این وظیفه فرد فرد مسلمانهاست. بکشید. باید دنبال امروز که روز قدس می‌نامیم بیش از این شعارها و اجتماعات به عمل پردازیم و مجهز بشویم. همانطوریکه امام فرمودند اگر هر کدام از مسلمانها یک سطل آب ریخته بودند سیلی بود که صهیونیزم را از بین می‌برد. همانطور که در منی هر کدام هفت ریگ می‌زنید و برج شیطان را غرق ریگ می‌کنید، هر کدام یک ریگ، سنگ، یک سلاح، در دست بگیرید، همه باید مجهز بشویم. خصوص ما مسلمانهای ایران که دائما "در معرض این فتنه هستیم. ببینید الآن صهیونیزم خونخوار چه جور خشمگین دندان روی هم می‌گذارد، و برای ما نقشه می‌کشد و بخصوص از این اتحادی (خشمگین است) که مسلمانها، رهبر ما، دولت ما، ملت ما در روز قدس، روز جمعه آخر رمضان، در سراسر کشورهای اسلامی (دارند) ما حسابان با عموم ملت‌های اسلامی است، بعضی از دولت‌ها هستند که بازی می‌کنند، بعضی شناخته، بعضی ناشناخته. ملت‌های مسلمان باید خودشان راه بیفتند، همه مجهز، همه آماده، روزی برسد که همه حرکت کنیم بطرف بیت المقدس، ما هم باید آماده باشیم، از دبستان، دبیرستان، دانشگاه باید بچه‌های خردسال ما، زنهای ما، مردهای ما، پیر و جوان ما، باید آماده دفاع باشیم. دفاع از بیت المقدس. دفاع از بیت المقدس دفاع از حریم خداست و بر همه واجب است بر زن و مرد و کوچک و بزرگ ما واجب است، من پیشنهاد می‌کنم در مدارس ما، در روستاهای ما در کاخ‌های ما، روزهای معینی، اشخاص وارد، بچه‌ها، اطفال و جوانها و زنهای ما را تمرین نظامی بدهند و در تمام کشورهای اسلامی.

این آیه می‌گوید، بنی اسرائیل جز من و کیل نگیرد. (اما) یک گروهی جمع شده‌اند که از خود نهان دارند، نه سلاح، فقط متکی به استعمار خونخوار آمریکا هستند و میخواهند

همه، مسلمین را به ذلت و خواری بکشند. ببینید در جنوب لبنان چه می‌کنند، این مردم چه‌گناهی دارند؟ این مسلمانها، شیعه‌های جنوب لبنان، خانه‌های ویران، مردم سرگردان همه فراری، کسانی که آمده‌اند می‌گویند، تمام زنان و مردان لبنان، بخصوص جنوب لبنان همه سیاه‌پوش هستند، چرا برای اینکه از هر خانواده‌ای یک دوشهیداست. آیا نباید صدای آنها، صدای مظلومیت آنها را اجابت کنیم. من سمع رجلا " یقول یا للمسلمین و لم یجبه فلیس بمسلم. اگر یک انسانی، غیرمسلمان هم باشد، و مظلوم واقع بشود و فریادش بلند بشود، مسلمانها به داد ما برسید و اجابت نکنند اینها از اسلام خارج‌اند. فریاد فلسطینی‌ها، لبنانیها، بلنداست. مسلمانها به داد ما برسید، ما را از این خونخوار و از این وحشی‌په‌اسم صهیونیزم نجات بدهید، سوریه، لبنان، مردم مصر - توده مردم مصر نه دولت مصر - اردن، همه دارند فریاد می‌کشند. و امروز روزی است که ما می‌گوئیم: برادرها، ما اجابت کردیم دعوت شما را. امروز این ملت عظیم ما در روز ماه مبارک رمضان، با زبان روزه در زیر آفتاب در میان خیابانها فریاد می‌زنند قدس، قدس، فلسطین، فلسطین، و برادران ما در کشورهای اسلامی در یک‌صاف قرار گرفته‌اند. همین است که اسرائیل، صهیونیزم و آمریکا را به وحشت می‌اندازد. منتظر باشید، توطئه‌ها بیشتر می‌شود. از آن روزی که روز قدس اعلام شد، ببینید در خیابانهای تهران چه حوادثی بوجود آمد. اینجا یک مقداری آرام گرفت، پاوه چه خبر شد. اینجا چه هستند، چه می‌گویند؟ به یقین بدانید که خواهند یا نخواهند، اینها آلت دست صهیونیست‌ها و استعمارند. و اگر سرچایشان ننشینند ملت مسلمان اینها را سرچایشان خواهند نشاند، آن ملتی که خون داده (صحیح است) تسامح اسلامی، گذشت اسلامی و عفو اسلامی حدی دارد تا آنجا نیست که نهضت ما، انقلاب ما، که انقلاب دنیا است، انقلاب محرومین و مستضعفین دنیا است لطمه نبیند. ما امروز متأثریم که می‌بینیم دائم فریاد مسلمانان دنیا بلندست، اجابت می‌کنیم، ولی از درون برای اینکه ما را مشغول کنند و ما را از مسائل دیگر مسلمانها غافل کند، دائما "فتنه می‌کنند. همانطوریکه قرآن فرمود (این فتنه) دامنگیر خودشان خواهد شد.

ما پیشنهاد می‌کنیم که شهردار تهران یکی از خیابانهای تهران را به نام قدس نامگذاری کند و ما این روز را هر سال بنام "روز قدس" اجتماع داشته باشیم و مسائل قدس و مسائل فلسطین برای عموم مسلمانان تفهیم بشود: ظهور صهیونیزم، کی اینها را آوردند و چه‌ها کردند و آن چهره مظلومیتی که یهودیها در جنگ اخیر بدست نازی به خود گرفته بودند و تغییر کرد.

الآن مردم دنیا این چهره مظلومیت را در این یهودی‌ها نمی‌بینند. یهودیهای موحد و موءمن آزادمنش دنیا باید چهره توحید و دعوت انبیاء را به دنیا نشان بدهند. و از صهیونیزم خونخوار و عوامل آنها خودشان را تبرئه کنند.

ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذین سبقونا بالايمان ولا تجعل فی قلوبنا غلا للذین آمنوا.

پروردگار ما مسلمانها را همان طوری که تا به حال تایید فرمودی و وعده نصرت دادی، نصرت را از ما کوتاه مگردان و برادران مسلمان ما را در هر کجا هستند، از زیر این فشار و شکنجه و استضعاف مستکبرین داخلی و استعمارگران خارجی با وحدت نظر و وحدت هدف نجات ببخش! برادران لبنان ما، مسلمانهای لبنان، شیعه‌های جنوب لبنان را پروردگار ما عید بدار! خدایا، سرپرست شیعه‌های لبنان "امام موسی صدر" را زودتر برای سرپرستی این مردم محروم به زادگاه خودش برگردان! خداوندا ما را بیامرز!

خداوندا به رهبری ما و رهبر ما توفیق و تأییدات بیشتری عنایت بفرما و وحدت ما را خداوندا محکم تر نگهدار.

ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذین سبقونا بالايمان ولا تجعل فی قلوبنا غلا للذین آمنوا.

ربنا انک رؤوف الرحیم. رب اغفر لی ولوالدی ولمن دخل بیتی موءمنا " وللمومنین والموءمنات ولا تزد الظالمین الا تبارا.

بسم الله الرحمن الرحیم

اذا جاء نصر الله والفتح. و رأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجا. فسیحیح محمد ربک واستغفره انه کان توابا.

ماهم برای شکرانه این نعمت بزرگ و این اجتماع که سالیان دراز آرزوی ما بود، خداوندا ترا شکرگزاری می‌کنیم و سر سجده به خاک در مقابل عظمت تو می‌سائیم.

السلام علیکم ورحمة الله.

خطبه‌های نماز عید فطر
جمعه ۱ شوال ۱۳۹۹ - ۱۳۵۸/۶/۲

خطبه اول:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين ، الحمد لله الواحد الاحد ، الفرد الصمد ، الذي لم يتخذ صاحبة ولا ولدا نصلى ونسلم على عبده ورسوله ، الذي بعثه حين فتره من الرسل وحجته من الامم ، والدنيا كاسفه النور ، ظاهرة الغرور ، البشير النذير ابي القاسم محمد و على آله واصحابه والائمة المعصومين و خلفائه الصالحين و جميع الانبياء والمرسلين .

قال اميرالمؤمنين علي (ع):

ايها الناس ذمتي بما اقول رهينة وانا به زعيم .

در يك موقعيت خاص و حساسيم ، يك فصل تاريخي ، بعد از شورش و انقلاب مسلمانان عليه خليفه وقت و بعد از آن كه مردم مدينه ، سران مهاجر و انصار با آن حضرت بيعت كردند اولين برنامه حكومتيش را دريك خطابه مفصل در مسجد مدينه اعلام فرمود . همانطوري كه علي روح و فكر و اندیشه و برنامه سخنش هميشه زنده است اين كلمات هم زنده است . گويا همين امروز است كه علي در ميان همه مسلمانها ايستاده و اين مسائل و مطالب و برنامه را اعلام مي كند . همان علي كه در فتح مكه همه گوش و چشم و دل بود نسبت به رهبر بزرگش پيامبر عظيم الشان و درپاي سكوي مجاور كعبه ايستاده بود و مي شنيد خطابه انقلابي پيامبر اسلام را بعد از آني كه بتها فرو ريخت و مركز توحيد فتح شد و همه مشركين تسليم شدند ، اين خطبه مفصل را فرمود : هر افتخاري در جاهليت زير پاي من و هر ربايي در جاهليت زيرپاي من و هر امتيازي زير قدم من ، همه محو شده است . " كل ربا تحت قدمي " بعد فرمود " لا فخر لعربي على عجمي و لا لعجمي على عربي الا

بالتقوى ان اكرمکم عندالله اتقيکم . ان الزمان قدارت کهياتہ يوم خلق الله السموات والارض " همه افتخارات ملغی ، امتیازات ملغی ، عرب بر عجم ، عجم بر عرب ، سفید و سیاه بر یکدیگر ، گرامیترین شما آنهم نزد خدا نه امتیازات دنیوی . . . متقی ترین شما هستند . زمان برگشت به همان وضع فکری که این امتیازات نبود ، این طبقات نبود و این افتخارات نبود . ان الزمان قدارت . . .

اینها را می شنید با تمام وجود درک می کرد . انقلاب توحیدی اسلام را از زبان پیامبر و وحی قرآن دریافت ، بلال حبشی و برده و غلام شکنجه دیده رفت بالای خانه کعبه و فریاد بانگ اذان برداشت یعنی این غلامی است که به حسب فضیلت تقوی باید بر همه مردم ، از جهت سبقت در اسلام و درک توحید و تقوی برتری داشته باشد از همین جهت که همه قریش و سران قریش و آن کسانی که بادهای افتخارات جاهلیت در دماغشان بود به خود می پیچیدند . زمان گذشت . رسول خدا وفات یافت ، به تدریج همان کسانی که مارک طلقاء به پیشانی اینها خورده بود بردستگاه خلافت نفوذ کردند . امتیازات شروع شد . امتیاز قریش بر عرب ، امتیاز عرب بر عجم ، چه در مقامات و پستها ، چه در تقسیم بیت المال و زمینه های اقتصادی ، تا بدین جا رسید که این امتیازات مسلمانهای اصیل را به حرکت درآورد و در این زمان خلیفه قربانی شد . مردم با علی بیعت کردند با این سابقه مجمل تاریخی ، بنی امیه عقب رانده و حزب اموی بردستگاه خلافت نفوذ پیدا کردند ، یزید بن ابی سفیان در شام و پس از او معاویه بن ابی سفیان ، مروان رانده شده همه کاره دستگاه خلافت شد ، علی مواجه است با یک اجتماعی که اسلام از هرامتیازی و از هرافتخاری پاک کرده بود ، دومرتبه به وضع جاهلیت برگشته . این است که ایستاد این خطابه را خواند ، این خطابه ای است که امروز هم از زبان من می شنوید ، ولی در همین موقعیت ، وضع ما مسلمانها و همه دنیای اسلام و دنیای بشر از زبان علی بشنوید . این خطابه انقلابی ، این انقلاب مفهوم دار نه شعار ، فرمود : " ذمتی بما اقول رهینة و انا به زعیم " متاسفانه بیشتر مفسرین و مترجمین نهج البلاغه این کلمات را یک خبری از آینده می دانند یعنی چنین " می شود " نه آنچه " باید بشود " با این موقعیت این خطابه و مسائلی که " امیرالمؤمنین " مطرح می کند یعنی این مساله و آنچه که من اعلام می کنم باید انجام بگیرد و من درباره این مطلب پیش خدا و خلق و قرآن و وحی و نبوت متعهد هستم " ذمتی بما اقول رهینة و انا به زعیم " من گروگان این حقیقتم ، من در بند این حقیقتم ، و متعهدم و باید اعلام کنم ، " ان من صرحت له العبر عما

بین یدیه من المثلثات ، حجزته التقوی عن تقحم الشبهات " یک مردمی که این همه تجربه دیده اند ، عبرت های تاریخی را دریافته اند و مسائل را برخورد کرده اند و نمونه هایی از گذشته تاریخ در مقابل چشمان . به صراحت موضع تاریخ را بیان می کند و گذشته را که ظلم ، سرکشی ، خودخواهی ها چگونه منجر به خونریزیها و انقلابها خواهد شد ، پس همین بس است . این نمونه های تاریخی که مردم دارای تقوی اجتماعی و روحی را از فرورفتن در مکتبها ، مسائل ، برنامه ها ، شعارهای شبه انگیز خود را نگهدارند که دوباره تاریخ گذشته تکرار نشود " الا وان بلیتکم قد عادت کهیاتها يوم بعث الله نبیکم (ص) " گرفتاریهای شما دومرتبه برگشت . گرچه به ظاهر اسلام و در لباس اسلامند ولی همان گرفتاری است که پیامبر در میان آن شرکها ، خودخواهیها ، وحشیگریها ، امتیازات منیعت شد . این گرفتاری شما همان گرفتاری است . فرمود گرچه که اینها ، مخالفین من در شعار اسلام و لباس اسلام هستند ولی این بصیرتی که خدا به من عنایت کرده باطن و اندیشه های جاهلیت و کفرآمیز اینها را من می بینم . " بصرنی بهم صدق النیه " امروز هم این مردمی که در لباس اسلام و در زیر اسلام به جاهلیت برگشته اند من می نگرم . گرچه نماز می خوانند ، در صف جماعت هستند ، شعار قرآن می دهند ، ولی همان نظام جاهلیت است " بلیتکم قد عادت کهیاتها يوم بعث الله نبیکم " این دو قسمت از سخن علی بود بعد می فرماید : " والذی بعثه بالحق لتبلیلن بلبله و لتغریلن غریله و لتساطن سوط القدر " بعد از این دو تذکر می گوید اما برنامه چیست : اول اینکه همه به هم آمیخته بشوند . باید همه به هم آمیخته بشوند . این دیوارها این سدهای طبقاتی بین قریش و عجم و موالی همه باید برداشته بشود و همه باید به هم بریزد . این مرحله اول . لتبلیلن بلبله ، بعد از آن لتغریلن غریله . در میان این بهم آمیختگی باید غربال بشویم ، چه جور غربالی ؟ که آن دانه درشت های متعهد و متقی و آنهایی که اسلام را دریافته اند و پای اسلام ایستاده اند اینها شناخته بشوند . نخاله ها بیرون بروند و لتساطن سوط القدر ، بعد همه به هم آمیخته بشوند و ترکیب بشوند مثل موادی که در میان یکدیگر باید بجوشند و با هم ترکیب پیدا کنند و یک صورت دیگری به اینها داده بشود . این برنامه علی است . برنامه انقلابی علی است . بهم ریختن آن نظامات فاسد و فاصله ها و رو آوردن شخصیت هائی متعهد و از میان رفتن و برکنار شدن نخاله های خودخواه و خودپرست و فرصت جو و بعد یک ترکیب اجتماعی نو ، اجتماع انقلابی ، اجتماع پیشرو .

آیا این کلمات برای همان روز علی بود یا امروز هم مادچاریم ؟ اگر این مسیر انقلاب در

این انقلاب اسلامی ما، این مسیر علی و این برنامه علی پیش‌نبرد باید یقین بدانیم که به جای اول خواهیم برگشت. بعد می‌فرماید: حتی آنقدر زیر و رو شوید که آن پائینی‌ها، آن پائین-شهری‌ها، آن محروم‌ها، آنهایی که زیر پا ماندند آنهایی که نفس ندارند ناله‌شان به گوش کسی نمی‌رسد. اینها بالا بیایند و آن خودخواههایی که برگرده مردم سوارند آنها باید به زیر کشیده شوند "حتی یعود اسفلکم اعلیکم و اعلیکم اسفلکم" زیرپائینها، نادیده گرفته‌ها، محرومین، مستضعفین بالا بیایند. مستکبرین، خودخواه‌ها، سرمایه‌دارها، غارتگرها باید بروند دنبال کارشان گرچه طلحه و زبیر باشند، گرچه در مقابل پیغمبر شمشیر زده باشند، گرچه خویش نزدیک پیامبر باشند باید بروند کنار. از این انقلابی‌تر شما هیچ خطابه‌ای از هیچ رهبری در دنیا شنیده‌اید یا دیده‌اید؟ و لیسبقن السابقون كانوا قسروا" آن پیش‌گیرنده‌ها، آن شکنجه‌شده‌ها در دوره ابتدای بعثت، در میان وادیهای مکه، در کنار حرم خدا و در کنار کعبه، آنها رفتند کنار، آنها باید بیایند جلو، آنها پیشگامان بودند، "والله ما کتمت و شمة و لا کذبت کذبة" اینها که می‌گویم به اندازه سر سوزنی دروغ نیست، واقعیاتی است که باید انجام بگیرد و هیچ حقیقتی را من کتمان نکردم، این موقعیت را، در این وضع و در این شرایطی که امروز واقع شده قبلا "به من آگاهی داده شده بود. برنامه من از قبل تعیین شده بود. برنامه علی قبل از انقلاب مدینه بود نه مثل ما مسلمانها، مثل ما مسلمانها که اول انقلاب کردیم حالا نشستیم می‌خواهیم برنامه تعیین کنیم. باید چکار کنیم. این حقیقت، این مساله است، این راه است. این ادامه انقلاب است. اگر این انقلابی که علی آنروز گفت و امروز هم صدایش به گوش همه مسلمانها و شما می‌رسد، اگر تداوم پیدا نکند هرکاری، هر اندیشه‌ای، هر تقنینی، قانونی کم اثر و یابی اثر خواهد بود. مگر ما در مشروطیت قانون اساسی هفتاد و خورده‌ای سال قبل نوشتیم. چقدر مترقی، غیر از چند قسمت، همه مسائل زنده ولی چه شد، برای اینکه همینقدر که قانون اساسی تدوین شد توده انقلابی مردم خیال کردند کار تمام شده است رفتند دنبال زندگی‌شان، دو مرتبه همانهایی که اطرافیان دربار محمدعلیشاه و قاجاریه بودند و اشراف و طبقات آمدند توی مجلس، بعد هم از وسط اینها رضاخان آمد بیرون. اگر انقلاب تداوم نیابد هراندیشه‌ای، هرکاری بکنیم علاج ارتجاع و برگشت به وضع جاهلیتی که علی اعلام خطر کرده چاره‌اندیشی نیست، چاره نمی‌کند. می‌نمی‌خواهم نفی بکنم، باید قانون اساسی هم نوشته بشود. تدوین بشود، ولی باید هشیار باشیم. این قانون

اساسی مساله‌ای است و اصولی است روی کاغذ، مجربش کیست؟ شما مردم، شما مردم کی می‌توانید قدرت اجرایی قوی باشید که این اصول آزاد بیخش را بتوانید پیاده کنید؟ وقتی که انقلابی باشید. انقلاب تداوم پیدا کند، این که متوقف بشود؛ "الا وان الخطایا خیل شمس حمل علیها اهلها و خلعت لجمها فتقحمت بهم فی النار" لغزشها، اشتباهات، کجرویها به تدریج به جای اینکه انسان سوار بر کار و مسلط بر اوضاع باشد، اشتباهات و خطاها و گناهان بر انسان حاکم می‌شود. چشم و گوش بسته می‌کشند افراد و جماعات و امت را به یک جهتی، جهت انحرافی. تا اینکه به حد سقوط می‌رسانند. می‌فرماید: خطاها، اشتباهات، لغزشها مانند اسبهای چموشی است که سوارانی بر آن سوار شده‌اند و افسارها گسیخته شده و اختیار از دست سوارکار بیرون رفته و یکسره سوارکار را به طرف سقوط گاه و جهنم می‌برد. الا وان التقوی اما تقوی، خودداری از گناه، ضبط نفس در تحت هر سوالی نرفتن تحریک‌نشدن، گول نخوردن، تقوای فکری، تقوای اخلاقی، تقوای اجتماعی. یک مرگ‌های رهرو و رهواری هستند که سوار بر آنها به آسانی می‌تواند به مقصد خود برسد و زمام آنرا به دست گیرد و آنرا به طرف بهشت سوق بدهد.

این قسمتی از خطابه امیرالمؤمنین است که متاسفانه یک قسمت بزرگی از آن خطابه را مؤلف نهج البلاغه روی نظر خود نادیده گرفته و حذف کرده و اگر مجال شد انشاء الله قسمتهای دیگر را هم به شما عرض می‌کنیم. امیدواریم این عید بزرگ، این عید با عظمت به همه ما منشاء خیر و برکت باشد و به همه مسلمین. عیدی بود بسیار پربرکت، اجتماعات بسیار عظیم نماز جمعه و اجتماعات بسیار باشکوه و پر معنا. این برکات وحدت، وحدت در هدف، وحدت در رهبری، همه اینها برکت و خیر بود برای ما. ولی متاسفانه در اواخر این ماه پربرکت مسلمانها، یک عده مردم جانی این برکت را، این خیر را آلوده کردند مردمی که در انجام جنایت از هیچ کاری فروگذار نکردند تازه اسم خودشان را هم دموکرات می‌گذارند. دموکراتی که مردم را به گلوله ببندد، مردم مظلوم، مردم بیچاره، مردم بیطرف، پاسدارها، جوانهای پاسدار، بیچاره‌ها، ای خاک بر سرشون، چقدر این نام همیشه برای این کشور، نام دموکرات-خاطرات بدی داشته، بعد از جنگ بین الملل اول، یک عده دموکرات پیدا شدند که سر نخشان معلوم نبود به کجا هست. همه چیز را به هم ریختند، ترور کردند و بعد از آنی که قدرت متمرکز شد آنوقت یک عده پیروان بیچاره، مستضعف، فریب‌خورده را بجا گذاشتند و فرار کردند. و رفتند بیرون. آنها را دادند دم گلوله، دم چک، بعد

از جنگ بین المللی دوم، ۱۳۲۰ دیدید دموکراتهای آذربایجان چه کشتارها کردند، همینکه قدرت مرکزی قوی شد، رفت آنطرف، آنها فرار کردند اینها را دادند دم چک. امروز همون چهره‌ها هستند به اسم دموکرات. یک عده بیچاره، یک عده مستضعف با شعارهای فریبنده اینها را جمع کردند. اگر یک مقدار فشار زیاد شد همانطوری که حالا هست سران فرار می‌کنند. دست دوم، دست سوم را آنوقت دم چکند. چه مکتبی دارند؟ چه می‌گویند، چه می‌خواهند؟ مگر بارها اعلام نشده که شما برادرهای کرد هر پیشنهادی دارید، هر مسأله‌ای دارید بیایید مطرح کنید. رسیدگی بشود. به قدری که در امکان هست برای شما انجام خواهد شد. دیگر چه می‌خواهند؟ اینها مگر می‌خواهند تجزیه کنند کردستان را؟ در دامن کی می‌خواهند قرار بگیرند بهتر از دامن اسلام و رهبرهای اسلامی و مردم مسلمان؟ که همچو اندیشه‌ای دارند؟ من به یقین می‌دانم در مردم کردستان، در توده مردم نیست. که بارها اعلام کردند. جز خود خواهی، جز جاه طلبی، جز بلند پروازی، مثل همه حزب باز یها، عده‌ای جمع بکنند و شعاری بدهند و کلاه دیگران پس معرکه باشد، من نمی‌فهمم آخر چرا باید ما پیش از اینکه ارتش دخالت بکند از برادران کردمان انتظار داشتیم که خود آنها این آتش را خاموش بکنند. چرانی‌کنند؟ ای برادران مسلمان، ای خواهران مسلمان کرد، ای کسانی که می‌دانید دل من برای شما می‌تپد و ما، همه مردم ما برای شما و محرومیت‌های شما و فشارهایی که بر شما وارد شده همه دلسوز هستند. چرا باید آلت دست یک مشت خود خواه، خود پرست، یک همچو فاجعه‌ای، اینطور چهره مردم کرد، مردم بزرگوار، مردم سالم، مردم مرزدار اینطور باید آلوده بشود؟ خدا لعنتشان کند آنهایی که فتنه‌ها را ایجاد می‌کنند. در این روز عید صدم بار بر آنها لعنت. از درگاه خدا و خلق دور باش بر همه اینها چقدر ما سعی کردیم، کوشیدیم با مذاکره، با مهربانی، دور هم نشستن مسائل را حل کنیم، چه این جوجه کمونیست‌های داخل خودمان، چه آنها. یک مشت جوان احساساتی، سی ساله، خیال می‌کنند قیم همه مردمند، قیم همه زنهای ما هستند. زنهای ما احتیاج به قیم ندارند. زنها حقشان پایمال شده مگر خودشان نمی‌توانند حرف بزنند؟ جوانهای مسلمان ما هستند که تو این آفتاب و با این زبان روزه در میان این مزارع دارند کار می‌کنند. آنجا نشستن فقط شعار دادن؟ این شد مسأله؟ من خودم را برای دفاع از اینها داشتم فدی می‌کردم. حتی در مقابل بعضی از تنگ نظرها. اندک بین‌ها، مرا متهم می‌کردند. حتی خود رهبر به من فرمود شما چرا مسامحه می‌کنید درباره اینها. گفتم آقا اینها شاید به نصیحت، به موعظه، تغییر اوضاع، تغییر شرایط جذب بشوند به عامه مردم

و دیگر حوصله همه را سر آوردند. این رهبری را که سراپا دلسوزی نسبت به مستضعفین و محرومین است ببینید چطور به خشم آوردند، این کار بود؟ بکشند جزای اعمال خودشان را، کارهایی است که کردند، دیگر در مردم جا ندارند، بروند فکر دیگری بکنند.

بسم الله الرحمن الرحيم .

والعصر، ان الانسان لفي خسر، الا الذين آمنوا وعملوا الصالحات وتواصوا بالحق و تواصوا بالصبر.

* * *

خطبه دوم:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي هدانا الى هذا الصراط المستقيم . الحمد لله الذي هدانا لهذا فما كنا لننتهدي لولا ان هدانا الله . الصلوة . والسلام على النبي البشير النذير ، السراج المنير ابي القاسم محمد (ص) و على آله الطيبين الطاهرين المعصومين المنتجبين .

قسمت دیگری از همین خطابه انقلابی علی: "شغل من الجنه والنار امامه". مردم بصیر، مردم دارای بینش که بهشت و دوزخ را در مقابل خود می‌بینند. اینها باید از فتنه‌جویی‌ها از انحرافها خود را نگاه دارند و این مسیر نهائی حرکت را در نظر داشته باشند. "ساع سریع نجا" مردم پیشرو، مردم شتابان به طرف حق، به طرف کمال، به طرف خیر نجات می‌یابند "وطالب بطیء رجا"، آنهایی که کند حرکت می‌کنند امیدی هست که شاید به سر منزل مقصود برسند. چه افراد چه امتها. "و مقصر فی النار هوی" آنهایی که کوتاه می‌آیند در انجام وظیفه در سرعت به طرف خیر و انقلاب به طرف حق و توحید آنها در میان آتش آتشهایی که خود برمی‌افروزند سقوط خواهند کرد.

"الیمین والشمال مصلّة" شمال در مقابل یمین یعنی چپ. راست روی و چپ روی حرکت به طرف گمراهی است، مانمی‌دانیم علی در آرزو با اینکه مسأله چپگرایی و راستگرایی اصطلاحات همین یک قرن اخیر است، چه جور مسائلش زنده است. آرزو برای آن مردم می‌گوید راست روی و چپ روی هر دو به طرف گمراهی است. "الیمین والشمال مصله" در قسمتی از خطبه دیگر می‌فرماید، درباره مفروضین: "واخذوا یمینا و شمالا" از صراط حق منحرف شدند. یک عده راست‌گرا شدند یک عده چپ‌گرا شدند. "تعننا فی مسالک الغی" برای این که هر چه می‌توانند راه گمراهی و گمراه کردن را بیوند. و "ترکا مذاهب الرشده تا راه رشد و حرکت و کمال را رها کنند. "الیمین والشمال مصلّة" من این عبارت را برای

یک عده از نمایندگان برادران کشورهای عربی و سفرای آنها می خواندم گفتم این عبارت می دانید از کیست؟ گفتند نمی دانیم، از نهج البلاغه بیچاره ها خیرنداشتند. ما نتوانستیم منطق شیعه را به طور اصیل به دنیای خودمان برسانیم. خیال کردند از این عبارتهایی است که اخیراً "جعل شده، گفتم این کتاب نهج البلاغه، این عبارت مال علی (ع) است "الیمین والشمال مضملة" چپگرایی و راستگرایی به گمراهی می کشد. آیا ما این تجربه را در این مدت نداشتیم؟ ما ایرانیها همیشه ضربه ای که خوردیم یا از راستگرای متعصب جامد خوارج نهروانی بوده و یا از چپگرای به طرف مکتبهای دیگر "والطریق الوسطی هی - الجاده" راه وسط، صراط مستقیم، جاده ای است که کاروان بشر را به سر منزل نجات و سعادت می رساند "علیها باقی الکتاب" این کتاب باقی است. این قرآن بر همین مبناست یعنی بر صراط مستقیم. نه راست و نه چپ. "ومنها منفذ السنة" سنت رسول خدا و اولیاء دین اگر بخواهد راه پیدا کند نه در چپگرایی می تواند راه بیابد نه در راستگرایی، در طریق مستقیم است. "والیها مصیر العاقبه" عاقبت خیر در همین طریق وسطی است "هلاک من ادعی" مردم پر ادعای کم کار و فریبکار از بین خواهند رفت. در حکومت ما بیرون دنبال کارشان. "وخاب من افتری" آنها که دروغ می یافتند و تهمت می زدند اینها هم دستشان خالی است. فقط مردم صادق این وسط می توانند راه انقلاب، انقلاب علی را پیش ببرند. "من ابدی صفحه للحق هلاک"، کسی که رو به روی انقلاب بایستد باید هلاک شود. باید نادان بود بشود. (فریاد صحیح است نماز خوانان) به من نگوئید صحیح است برادرها، به علی بگوئید صحیح است. "من ابدی صفحه للحق هلاک" انقلاب، انقلاب محرومین است، انقلاب انقلاب توده مسلمان است، انقلاب انقلاب پیروان قرآن، انقلاب، انقلاب پیروان توحید است. هر که از این مسیر منحرف شد باید پایمال بشود من ابدی صفحه للحق هلاک" اگر نشنستند و در مقابل حق نایستادند کاری به کارشان نداشته باشیم. همانطور که امامان فرمود. همانطوری که وارث علی گفته است "من ابدی صفحه للحق هلاک و فی بالمرء جهلا ان لا یعرف قدره" چقدر یک انسان جاهل و پست است که قدر خود را نشناسد "ولا یهلاک علی التقوی سنخ اصل ولا یظلم علیها زرع قوم" در محیط تقوی ریشه زراعت هیچ کس خشک نخواهد شد، همه به آمال خودشان، چه آمال دنیویشان و چه آمال اخرویانشان خواهند رسید. در مقابل در محیط بی تقوایی بی بند و باری، دروغگویی، فریب، افترا، ادعاهای خود گول زدن آنها همه محروم خواهند بود همانی که خیال می کند زنگ است و دیپلمات است آنها محروم خواهد شد. این عبارت را حفظ کنید "لا یهلاک علی التقوی سنخ اصل"

ریشه زراعت و آمال هیچ فردی بر مبنای تقوای از بین رفتنی نیست معجزه است این جمله مثل سایر جملات: "ولا یظلم علیها زرع قوم" زراعت هیچ قومی خشک نخواهد شد، آمالشان، اعمالشان، فعالیتهاشان همه به ثمر می رسد. در محیط تقوی. "فاستتروا فی - بیوتکم" این خطاب به ضد انقلابها است. آری ضد انقلابها، بروید تو خانه بنشینید "فاستتروا فی بیوتکم" و اصلحوا ذات بینکم" خودتان را اصلاح کنید. اصلاح کنید تا جامعه شما را بپذیرد "فاستتروا فی بیوتکم و اصلحوا ذات بینکم و التوبه من ورائکم" اگر واقعا توبه کردید، برگشتید، توبه پشتیمان شما است، با شماست، شما را دستگیری خواهد کرد. "و لایحمد حامد الاربه" اگر کسی کار خیری کرد و خدمتی انجام داد و خیری به او رسید از هیچکس ستایش نکند فقط از خدا، ستایشگری و مداحی را کنار بگذارید به هر کس خیری رسید فقط پروردگارش را ستایش کند. "ولا یلم لائم الا نفسه" اگر کسانی منحرف شدند، گناه کردند فقط خودشان را سرزنش کنند.

این قسمتی از خطابه تاریخی و انقلابی علی است که ما میبایست یادش را داشته باشیم. در همین خطبه ای که علی معین کرده است حرکت کنیم. خداوند همه ما و شمارا همه این ملت را به راهی که خودش صلاح می داند هدایت کند. همه گمراهان ما را خداوند هدایت بفرما. من به همه برادرانم، به برادران ارتشی، پاسدار و کسانی که اعزام شدند به طرف کردستان همین توصیه ای که دیشب امام فرمود، این رهبر باینش، عالیقدر ما، همین توصیه را ما همه باید بکنیم. که فقط کسانی که متعرض جان و ناموس و حیثیت مردم شدند. اینها باید معدوم بشوند اما آنها که فریب خورده اند، رحمت خدا همانطور که علی فرمود بالای سر آنها است و ما مسلمانها و همه مسلمانها هم از آنها خواهیم گذشت.

"غفر الله لنا ولکم ربنا" اغفر لنا ولاخواننا الذین سبقونا بالایمان ولا تجعل فی قلوبنا غلا للذین آمنوا ربنا انک رؤوف الرحیم وصلى الله على محمد وآل محمد والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

ششمین نماز جمعه ۵۸/۶/۹ در دانشگاه تهران

خطبه اول :

بسم الله الرحمن الرحيم

درود بر همه شما برادران و خواهران و فرزندان عزیز. درود بر همه مسلمانهای متعهد و جوانهای مجاهد.

قبل از شروع به خطبه رسمی نماز جمعه، این مسأله شرعی را که بارها تذکر داده شده کسانی که در نماز جمعه حضور دارند باید رعایت کنند، هنگام خطبه که جزء نماز است سکوت کنند، شعار ندهند، صلوات بلند نفرستند، صحیح است نگویند، صفها به یکدیگر متصل باشد. و اگر احیانا "در نماز احساس اخلاقی کردند - چه درباره سکوتی که هنگام خطبه باید داشته باشند و حتی الامکان روی از قبله نگردانند چه از جهت فواصلی که گاهی پیش می آید - بعد از نماز جمعه که نماز عصر خوانده می شود می توانند نماز ظهر را احتیاطا" اعاده کنند. این یک مسأله.

مسأله دیگر، برای مزید رحمت و مغفرت و قدردانی از شهدای راه اسلام و انقلاب اسلامی ما آنهایی که خونهایشان در میان تپهها و کوهستانها و دشتهای کردستان به زمین ریخته شده، جوانان پاسدار ما، سربازها و افسران ما و دیگر شهدای ما بخصوص شهید آخرین ما برادر عزیزمان، شخصیت مجاهد باینش مستقیم مرحوم حاج مهدی عراقی و فرزندش، برادران و خواهران بیا بایستند و سوره فاتحه بخوانند:

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين. الرحمن الرحيم. مالك يوم الدين. اياك نعبد و اياك نستعين. اهدنا الصراط المستقيم. صراط الذين انعمت عليهم غير المغضوب عليهم ولا الضالين. رحمة الله و برکاته عليهم و لعنت الله على قاتليهم.

* *

بسم الله الرحمن الرحيم . رب العالمين ، مبيد الظالمين ، معزالمستضعفين ، مذل
المستكبرين ، اللهم صل وسلم على عبدك ورسولك ، السراج المنير ، معلن الحق بالحق و دافع
الظلم والظلاله ، محمد بن عبدالله وعلى آله واصحابه المنتجبين وعلى الائمة الطاهرين
الهداة المهديين . تعاونوا على البر والتقوى ولا تعاونوا على الاثم والعدوان . اين وظیفه
بزرگ ، مسؤولیت همگانی که در میان موحدین و مسلمین دائما "باید مراعات و اجرا بشود
در هر کار خیری و در هر عملی که مورد رضایت خداست و برای پیشرفت و تعالی فکری و
زندگی و اقتصاد مسلمانان است همه باهم باید تعاون داشته باشند . پرو تقوا . و در آنچه
که عصبان و گناه است ، تجاوز است ، باید همه در مقابل آن بایستند و علیه عصبان و طغیان
یک صف تشکیل بدهند . امروز مهمترین مسأله ای که برای همه ما بعد از این انقلاب ، این
انقلاب پیشرس و برای دولت ما ، ملت ما و همه گروههای مخلص ما مهم است همین تعاون
است . اگر دولت پشتیبانی از ملت نداشته باشد و بیاریش نشتابند کاری از او ساخته نیست .
و همینطور اگر ملت پشتیبانی از دولت و قدرت اجرایی دولت نداشته باشد کارها فلج است .
من نمی خواهم بگویم که دولت از هر جهت کارهایش و روشش مورد تأیید است . ضعفهاست ،
ولی از طرف دیگر بعد از این انقلاب به قدری مشکلات - که من از نزدیک وارد هستم و همه
هم تاحدی می دانید - برای دولت در پیش بوده که شاید در هیچ انقلابی اینقدر مشکلات
نداشتند . آماده نبودن عموم مردم برای سازندگی ، نداشتن یک برنامه قبلی که همه احزاب ،
گروههای انقلابی ، آنهایی که در هر کشوری دست به انقلاب می زنند قبلا " یک برنامه ای
مفصل یا مجمل دارند ، ولی ما نداشتیم . و از جهت دیگر خواه نخواه برای حفظ امنیت و
حفظ کشور مسؤولینی کار را بدست گرفتند ، مانند کمیته ها ، دادگاههای انقلابی که چاره ای
هم جز این نبوده و با ضعفی که قوای انتظامی ما داشت و دارد ، پلیس ما داشت و دارد ،
ژاندارمری ما داشت و دارد ، اگر این کمیته ها تا حدی استقلال نداشتند و همینطور این
فرزندان و برادران از جان گذشته و مجاهد ما " پاسداران " در کارها دخالت نمی کردند ،
اکنون همینقدر ثبات و امنیتی که ما احساس می کنیم نداشتیم ، هرروز درگیری و هرروز کشتار .
در همه انقلاب های دنیا شما ملاحظه بکنید ، بعد از انقلاب مدتها کشتار ، زدو خورد ، روزها
هرروز صدها ، هزارها کشته می دادند این مربوط به قدرت رهبری که رهبری اسلامی و نافذ
در قلوب و اندیشه های عموم مردم است چنین امنیتی پیش آورد . و از طرفی دیگر مسؤولیت هایی
که کمیته ها بدست گرفتند با اینکه البته اشتباهات و لغزشهایی هم پیش آمده . و از این جهت
من به سهم خود تضعیف دولت را بیش از اینکه هست جایز نمی دانم . باید انتقاد بکنید ،

و شما ملت مسلمان متعهد هم همکاری کنید در اجراء کارها . دولت عبارتست از چند وزیر
و یک عده کارمند ، کارندهائی که شاید اغلب اینها نمی توانند درست وظایفشان را انجام بدهند و
قوای مجریه ای که اینها هنوز نتوانستند جا باز کنند در میان انقلاب . پس کی می ماند ؟ شما
ملت . شما ملت باید همکاری بکنید بخصوص با تأییدی که حضرت آیت الله امام می کنند
از دولت و شرایطی که اکنون ما بسر می بریم . شرایط بسیار خطیر ، دسیسه ها از هرسو و
تحریکات از داخل و خارج برای از بین بردن این انقلاب ما . به شمر نرساندن و آشوب در
همه منطقه ایجاد کردن در کار است . یکی از طرحهایی که به نظر می رسد شاید هر چند مهم
نیست - البته به نظر عده ای - همین طرحی است که شهرداری ما برای مسأله ترافیک داده
است مسأله ترافیک در دنیای تولید و مصرف مسأله بسیار پیچیده ای است . هنوز هم
نتوانسته اند حل کنند ، چون آئین نامه است و قانون بدون تعهد مردم . و در کشور ما مسأله
ترافیک ، وقت هایی که صرف می شود و استعدادهایی که در معابر و عبور از جایی به جایی
و برای رسیدن کارها همه از میان می رود ، عصبانیتها ، استهلاک ماشینها ، مصرف بنزینها ،
همین است که استعمار خواسته و عوامل استعمار ، که ما سرگرم این مسائل جزئی باشیم که
بعدهم عصبانیت و بعدهم به جان هم بیفتیم ، بعدهم مصرف تولیدهای خارجی و هی ماشین
پشت ماشین . هر کسی از حقوق بگیرها ، حتی کارندهای جزء اگر خانه اش اجاری است ، اگر
فرش در خانه اش نیست ، روی رقابتها و تحریکات باید یک ماشین لااقل پیکان داشته باشد .
این وضعی است که ملاحظه می کنید و رژیم سابق هم درمانده شده بود ، با اینکه به دست
خودش این وضع را پیش آورد . ما از همه خواهران و برادران تقاضا می کنیم که با این عمل
انقلابی و این کار انقلابی ، نشان دادن قدرت انقلابی خودتان را و نشان دادن ایمان و محبت
و صمیمیت خودتان را در این طرح به همه دنیا نشان بدهید . از فردا اتوبوسها به راه
می افتند . آنهایی که ماشین سواری دارند حتی الامکان جز در موارد ضروری استفاده نکنند .
من همین چند روز که در خیابان عبور می کردم از اول مسیر تا آخر مسیر اغلب ماشینها
یک نفر ، دونفر ، و راه مردم را اشغال کرده اند . اتوبوسها بنا شده به سرعت حرکت کنند
و اکثر مردم باید این کار انقلابی ، این وظیفه اسلامی ، این چهره اسلامی خودشان را نشان
بدهند و سوار اتوبوسها بشوند . ماشینها را کنار بگذارند جز در موارد ضروری ، باهم تعاون
داشته باشند ، ملاحظه حال پیرمردها ، پیرزنها ، مریضها را بکنند و همینطور راننده ها با
اخلاق رفتار کنند و مسافری هم اخلاق اسلامی خودشان را نشان بدهند . باهم تعارض
نکنند باهم درگیری نداشته باشند و در عین حال باهم ، یک شهر متحرکی که عبارتست از

این اتوبوسها و ماشینهای عمومی در شهر به راه خواهد افتاد و در میان این ماشینها مسائلی می تواند مطرح بشود ولی مراقب باشید که آنچه که هرفرصت طلبی و هر خودخواهی از هر مسأله ای می خواهد استفاده کند . باید پاسداران را احترام بگذارید ، مأمورین راهنمایی را احترام بگذارید و دستورات آنها را اجرا بکنید ، در میان ماشینها اگر خواستند آن کسانی که تحریک می کنند و اخلال می کنند و هروسيله ای را و هر چیزی را وسیله تحریک و تشنج و شایعه سازی درست می کنند ، آنها را همه موظفیم جلوگیری کنیم . *نفاثات فی العقد ، آنهایی که دائما " می دوند آن خناسها . اعوذ بالله من الشیطان الرجیم . قل اعوذ برب الناس ، هر روز صبح که از خانه بیرون می آئیم این دو سوره را بخوانیم ولی نه قرائت ، به خودمان تلقین کنیم : قل اعوذ برب الناس ، ملک الناس ، اله الناس . من شر الوسواس الخناس . الذی یوسوس فی صدور الناس . من الجنة والناس . والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته .*

* * *

خطبه دوم :

بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله الخالق الاحد . الفرد الصمد . فاطر السماوات والارضین . معز من یشاء و مذل من یشاء . بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر . اللهم صل علی محمد عبدک و رسولک المنتجب الذی ارسلته هدی للناس و علی الائمة الطاهرین و علی اصحابه و خلفائه المنتجبین . در نماز جمعه دو سوره مستحب مؤکداست . یکی سوره جمعه که دستور صفت مسلمانها ، صفت عبادت ، صفت جهاد ، صفت همبستگی روابط دلها ، روابط قلبها [را دارد] که مهمترین مسأله است . این مسائل ارتباطی - ارتباط معنوی در تعالیم عالیة اسلام - این روابط دائما " باید تجدید بشود ، در شبانه روز ، در جماعت های صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشا . از زندگی ، از توجه به امور عادی زندگی و از آلودگی به تحریکات احساسات خودخواهی ، مال پرستی ، خدعه و فریب بیرون بیائیم ، در صف جماعت قرار بگیریم ، تجدید حیات کنیم ، باهم پیوسته بشویم . امتیازات را الفا کنیم دو مرتبه برگردیم به زندگی معمولی . این از معجزات دستورات اسلامی [است] ، نه مثل رهبانیت که فقط از زندگی کنار بکشند و همه چیز را ترک کنند و نه مثل دنیای مادی که یکسره غرق در

شهوات و زندگی باشند . این یک مبارزه متحرک و دائم است بین زندگی و بین حق و توحید و خداپرستی و همین منشأ هرگونه تعالی انسان است . بعد روزهای جمعه و بعد هم در آن مناسک بزرگ حج . اینست که سوره جمعه در خطبه اول دستور مستحبی مؤکداست برای تشکیل چنین اجتماع و ادامه چنین اجتماع . در سوره دوم سوره منافقین است یعنی آن خطری که این اجتماع را متلاشی می کند ، آن خطری که از درون نفوذ می کند ، آن خطری که از اول اسلام بود و هرچه مسلمانها بعد از طلوع اسلام ضربه خوردید به دست منافقین بوده است نه به دست کفار . کفار چهره شناخته شده ای دارند صفشان جداست ، ولی منافق یعنی آن انسان چند چهره ، آن کسی که با چهره دین نفوذ می کند در صف مسلمانها ، ولی این یک چهره از چهره های ظاهر [اوست] ، باطنش چهره کفر است ، چهره وابستگی با بیگانگان است . چهره صدر اسلام است که در بسیاری از آیات شریفه قرآن چهره منافقین بیشتر ترسیم شده است تا چهره کفار ، در سوره بقره دو آیه در باره کفار است ، ولی وضع منافقین ، اندیشه های اینها ، افکار اینها ، چند چهره بودن اینها ، شب اینها ، روز اینها ، در اجتماعات چگونه نفوذ می کنند و همچنین در سایر سوره های قرآن تأکید شده که ، چهره منافق را بشناسیم . همین که در سوره منافقین می فرماید *اتخذوا ایمانهم حنّة و قدوا عن سبیل الله همین دو جمله انهم ساء ما کانوا یعملون* آنها عهدها ، پیمانهای خودشان را سیر قرار می دهند ، برای اینکه پشت سیر توطئه ها و دسیسه ها خودشان را پنهان کنند . و هیچ پابند عهد و پیمانی نیستند و اینها کوشش دارند که راهی که انبیاء باز کردند ، اسلام باز کرده به طرف حق ، به طرف خیر ، به طرف عدالت ، این راه را بر مردم سد کنند . اینگونه دسیسه ها امروز ، برادرها ، خواهرها ، فرزندان عزیز ، اسلام ما دچار چنین منافقین شرور و حیله گر و فریبکاری هستیم که گاه به چهره اسلام درمی آیند به چهره ایرانی هستند ، بسیار هم اظهار دلسوزی می کنند برای مردم ، ولی وابسته به جاهای دیگر هستند ، مرتبط به جاهای دیگر هستند ، چهره چهره ایرانی ولی روح و درون و نفسش ، نفس ، اندیشه خلق امپریالیست ، صهیونیست و دیگر قدرتها یعنی کوبیدن مسلمانها در چهره اسلام یا در چهره ایران و اختلاف در صفوف . این گرفتاریهایی که ما امروز در مرکز ، در شهرستانها بخصوص در کردستان برای این کشور پیش آمده بدست کیست ؟ آن ساواکی آن دزد فراری که با سرکرده شان فرار کردند و آن صهیونیست که نمی آید خودش را معرفی بکند من چنینم ، در چهره این احزاب و این گروهها درمی آید و شعارهای فریبنده می دهد و چنین فتنه هایی برمی انگیزد مسأله سطحی نیست که ما گمان بکنیم که

با یک خواستهای طرف هستیم و از این جهت خواستهایشان هم گنگ است، می آیند تعهد می کنند ولی پایبند تعهدات خودشان نیستند. می گویند این است خواسته های ما. والا کدام دولت کدام منشاء اثر و کدام رهبری است که با یک خواسته های معقول و منطقی یک گروهی مخالفت کند. چه بهانه ای اینها دارند. چه می گویند، آیا این مساله تا بحال مطرح شده که اینها چه می خواهند؟ به حسب ظاهر چند مساله ای را مطرح می کنند و می گویند خواسته های ما این است ولی در باطن چی؟ در باطن همان مرامنامه حزب دموکرات بیست سال قبل است که در مقابل رژیم آن مرامنامه را تنظیم کردند. یعنی بالاخره تجزیه ولی اکثر برادران کرد ما خواهران کرد ما هم از این دسیسه زیر پرده بی اطلاع هستیم. باره می گویند اگر شما دیوار آهنی هم بین ما و دیگر برادران مسلمان ما بکشید ما دیوار را فرو می ریزیم. راست هم می گویند، ولی اینها نیستند آنهایی که دسیسه می کنند، اینها نیستند که می آیند اظهار می کنند. چه می خواهید؟ می خواهیم در سرنوشت خودمان مختار باشیم، فرهنگ کردی را تعمیم بدهیم، خوب بکنید. کی جلوگیری کرده؟ می خواهیم انجمن های شهروستار را تشکیل بدهیم. کی جلوگیری کرده؟ بعد دیگر چه می خواهید؟ پایگاه های نظامی و ارتش از اینجا برود. پاسدارهای غیر بومی بروند. یعنی چه؟ آخرش چی؟ آخرش یعنی ما هرکاری دلمان می خواهد بدست خودمان باشد، فقط دولت مرکزی به ما نان بده، آرد بده، نفت بده، پول بده. آخر مساله به اینجا می انجامد. هیچ حق دخالت در کار ما ندارید یعنی دولت فقط جیره ده پاکیسه اینها باشد که به اینها بدهد. نفت را از خوزستان بیاورند به اینها بدهند و اینها هیچ تمکینی از دولت مرکزی نداشته باشند. این شدنی است؟ همه چیز بدست خود ما فقط بودجه بدست دولت که به ما بدهد. چون آن را هم از خودشان ندارند. از جای دیگر به ما بودجه بده ما خودمان می دانیم.

آیا این سوال مطرح نیست که قریب ده هزار، بیست هزار، سی هزار مسلح با حقوق سه هزار تومن، چهار هزار تومن، پنج هزار تومن، از کجا تأمین می شود؟ خوب برسید، این آقایان یک همچنین سرمایه ای از پدرشان دارند؟ از کجا آورده اند؟ آیا به عهد و پیمان نشان وابسته هستند و متعهدند؟ همانطوری که به آنها گفتم شما عهد دارید؟ شما پیمان دارید؟ افسر ایرانی، سرهنگ، سربازهای ما افسرهای که برای حفظ امنیت آمدند به اینها تأمین می دهید؟ پرچم امنیت می گذارید روی ماشینشان بعد نمینکه بیرون آمدند به گلوله می بندید؟ شما می شود عهد و پیمان بست؟ یک مردمی که اول گفتند ما به جمهوری اسلامی رأی نمی دهیم، یعنی خودشان را عملاً "از نود و هشت درصد مسلمانهای مردم ایران

جدا کردند. یهودی رأی داد، زردشتی رأی داد، مسیحی رأی داد صابئی رأی داد، ولی یک عده ای گفتند ما رأی نمی دهیم. پس اگر رأی نمی دهید دیگر چه می خواهید؟ آن ملا، آن پیشوای مذهبی که می گوید من رأی به جمهوری اسلامی نمی دهم یعنی چه؟ جمهوریت اسلامی غیر از این است که قوانین قرآن و قوانین الهی باید پیاده شود؟ خوب این چه جور پیشوای مذهبی است که نمی خواهد قوانین الهی پیاده شود؟ پیشوای دین هم هست.

نمونه ای برای شما، برای روشنگریتان عرض می کنم، خواستم زیاد افشاگری بکنم، همان وقتی که در چهار ماه، پنج ماه قبل مساله سنندج پیش آمد ما با دوستانمان رفتیم برای حل مساله چه می خواهید؟ چه می گوئید؟ بعد از تحقیقات معلوم شد یک درگیری بین کمیته شیعه و کمیته اهل سنت ایجاد کرده اند و بعد هم یک نفر به تیر مجهول کشته شده و بعد هم یکی از همین آقایان سران رفت در تلویزیون و رادیو را گرفت و دستور داد که ژاندارمری را بگیرد و خلع سلاح کردند ژاندارمری را. رئیس ژاندارمری هم زود تسلیم شد. حال نمی دانم چه شغلی به او داده اند. بعد شهربانی هم تسلیم شد. بعد حمله کردند به طرف پایگاه نظامی مرکز نظامی. بروید آنجا راهم بگیرید. آنها از خودشان دفاع کردند. اگر آنروز مرکز نظامی ارتش سنندج سقوط کرده بود، می دانید چه فاجعه ای می شد؟ ما هم غافل، تا وارد شدیم عوامل و دور و وریه های اینها داد و فریاد راه انداختند که ارتشیها، جوانهای ما را کشته اند با بمب به سرما ریختند، خمپاره ریختند به سرما. خوب ما راهم ناراحت کردند. چرا ارتش چنین کاری بکند؟ برای چه؟ چه جنگی داشته علیه مردم؟ خدا رحمت کند مرحوم شهید قرنی را. با او تماس گرفتیم او گفت که ما دستوری ندادیم برای حمله مردم به اینها حمله می کنند به پادگان از بالا و پائین. ما دفاع نکنیم؟ اسلحه را بدهیم بدست اینها؟ سربازانمان را به کشتن بدهیم؟ باز باور نکردم. در جلسه ای که رفتیم، در میدان عمومی از این چیزهایی که شبیه کله قند است جلو ما گذاشتند که با اینها ما را کشته اند. تو بیمارستانها، رفتیم. عجیب وضعی پیش آمده. بالاخره رفتیم به پادگان برای این که به اینها اعتراض کنیم. چرا بر سر مردم خمپاره ریختید؟ ببینید دسیسه، تبلیغات دروغ. بعد هم متوجه شدیم یک عده جوانهای سرباز متدین متعهد ایستادگی کرده اند در مقابل حمله اینها، و از سوی دیگر هم دوسه نفر سرهنگ بودند که خودشان بومی آنجا بودند گفتند آقا به ما حمله می کنند، وضع پادگان در یک سطح پائینی واقع شده از بالا و پائین به ما حمله می کنند، ما دفاع نکنیم؟ گفتم خوب حمله می کنند، چرا با خمپاره به اینها حمله کردید؟ گفتند خمپاره نیست اینها، مشعلهایی است که به هوا پرت می کنیم که اطرافمان را ببینیم بعد جعبه را باز کردند مشعلها

را به هوا پرت کردند گفتند بعد از آنی هم که سوختشان تمام شد اگر جایی سقوط کند آسیبی نمی‌رساند. همین‌ها را برداشته‌اند این فریبکاران جلو ما رژه می‌دهند که با این خمپاره ما را کوبیده‌اند. از هر فرصتی استفاده کرده‌اند آنوقت به من پیام می‌فرستند علمای آنجا سران آنجا، که مثل مغولها به ما جمله می‌کنند و این ارتش شما آمده ما را می‌کوبد. ارتش ابتدایاً "وارد شد؟ فتنه را کی ایجاد کرد؟ از کجا شروع شد؟ هیچ بررسی شده؟ اینها آیا به قول وعهدشان قانع هستند؟ اگر واقعا "مساغلمان این باشد بسیار آسان قابل حل است، ولی مساله این نیست اینها صدایشان از خودشان نیست اینها بودند که رفتند در اروپا و خارج زبرلاک خودشان پنهان شدند، این مردم مسلمان خون دادند حالا ساکتها به صد آمدند. تسلیم شده‌ها انقلابی شدند، وابسته‌ها دو مرتبه آمدند تو کار، اینها کجا بودند؟ چه می‌کردند؟ بعد یکی از علما می‌نویسد و این‌ها را در ذیل به رخ من می‌کشد و تلکالدار الاخره نجعلها للذین لا یریدون علواً "فی الارض و لا فساداً". آیا ارتش ما علو کرده؟ رهبرهای ما علو کردند در زمین؟ اینها که هم‌ماش طرفدار مستضعفین، طرفدار بیچاره‌ها و طرفدار محرومین هستند. کی علو کرده؟ کی فساد در زمین می‌کند؟ و باید بدانید برادرها خواهرهای کرد، حساب شما از اینها جداست. و این ننگی که دارند به پیشانی کردستان می‌زنند و این همه مجاهده‌ها که کرده‌ها کردند دارند از بین می‌برند. اینها یک عده محدودی هستند. باید حساب مردم کردستان، برادران و خواهران مسلمان و متعهد ایرانی را از یک مشت کسانی که معلوم نیست یاهست از کجا کومک به اینها می‌رسد، متهم می‌کنند از کشور بزرگ شمالی ما به آنها کمک می‌رسد؟ از یک کشور اسلامی به اینها کمک می‌رسد، از اسرائیل می‌رسد، از طرف دزدهای فراری و عوامل رژیم سابق هرروز به اینها پول و اسلحه داده می‌شود. پس می‌خواهند در مقابل این دسیسه‌ها مردم ساکت بنشینند؟ ارتش دخالت نکند؟ پس چه یکنند؟ پس ارتش برای چه روزی است؟ و این درگیری عاقبتی برای کردستان ندارد. جز خرابی جز کشتار جز ویرانی جز از بین بردن آبروی برادرها و خواهرهای کرد، هیچ محصولی ندارد. سی میلیون جمعیت ایران و مسلمانها تسلیم یک مشت خودخواه و وابسته به دیگران نخواهند شد. خودشان باید در ابتدا حساب اینها را برسند. نمی‌رسند؟ چاره‌ای نیست جز ارتش. ارتش دخالت نمی‌کند؟ نمی‌تواند؟ ضعف پیش می‌آید؟ همه ملت ایران. ما هم راه می‌رفتیم امام خمینی هم راه می‌افتد. ما این انقلاب را مفت بدست نیاورده‌که باز بچه یک مشت بازیگر بین‌المللی بشویم. شصت هزار [نفر از] بهترین جوانهای ما کشته شد. خیال می‌کنند به این مفتی، [ما می‌گذاریم هرچه خواستند بکنند]؟ خیلی خوب تو برو کنار، بعد بلوچستان را تحریک

کن، بعد خوزستان را تحریک کن، بعد دولت مرکزی بماند با تهران و کویر لوت و یزد و کرمان. عاقبت کار همین است دیگر. این خیانت بزرگ. اگر مطلبی، پیشنهادی انسانی، معقول و درست دارند پیشنهاد کنند، منهای آنهایی که دستشان به خون مردم آلوده شده. و الا همینطور مبهم هرروز یکجا تحریک کردن، این ملت تحمل نمی‌کند، قرآن هم تحمل نمی‌کند، قرآن هم می‌گوید: قاتلوهم حتی لا یكون فتنه هرجا فتنه شد باید بکوبید فتنه‌را، قرآن دین ما تحمل نمی‌کند. اگر مساله است، مطلبی است معقول و حقی است که اسلام هیچ حقی را ضایع نمی‌گذارد هیچ مرام و مسلکی به اندازه اسلام به مردم حق نداده. خوب بیایند ابراز بکنند، دیگر آتش‌افروزی برای چه؟ تحریکات برای چه؟ و بالاخره به دست شما ملت باید این آتشها خاموش بشود و فتنه‌ها از میان برود و "حتی یكون الدین کله لله" فقط حاکمیت برای خدا و برای قانون خدا.

بسم الله الرحمن الرحيم تبت یدای لیب و تب ، ما اغنی عنه ماله و ما کسب سیصلی نارا " ذات لیب ، و امرأته حماله الحطب ، فی جیدها حبل من مسد .
ربنا اغفر لنا و لاخواننا الذین سبقونا بالایمان .

یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بث منها رجالا " کثیرا " و نساء و اتقوا الله الذی تسألون به و الارحام .

ربنا و لا تحملنا ما لا طاقت لنا به ، و اعف عنا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولانا و انصرنا علی القوم الکافرین و انصرنا علی القوم الظالمین برحمتک یا ارحم الراحمین .

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

تالیین «طالقانی و زمانه ما»

هفتمین نماز جمعه در بهشت زهرا (۱۶ شهریور ۱۳۵۸)

خطبه اول

بسم الله الرحمن الرحيم

درود بر همه شما و درود بر شهدای ما و درود بر ملت قهرمان مسلمان ما و درود بر رهبر عالیقدر ما، همانطوری که دین ما، قرآن ما، خدای ما از شهدا تعظیم و تجلیل فرموده است، شما برادران و خواهران که در مزار شهدای اسلام، در زیر این آفتاب سوزان جمع شده اید برای تعظیم و احترام و مغفرت بیشتر نسبت به شهدای عزیز ما، همه از جا برخیزید و سوره فاتحه را قرائت کنید: (سوره فاتحه در سکوت قرائت شد).

اللهم اغفرهم، اللهم عظم اجورهم واحشرهم مع اولیائک و شهدائک الاولین والجن علی قاتلیهم اجمعین.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمین، الحمد لله المذل المعز، الذي يخرج الحي من الميت و يخرج الميت من الحي و يعز من يشاء و يذل من يشاء بیده الخیر و هو علی کل شیء قدير، اللهم صل و سلم علی عبدک و امینک البشیر النذیر السراج المنیر، محمد بن عبد الله و علی آله الطیبین الطاهرین الائمة المعصومین الهداة المهديين و علی اصحابه المنتجبين و علی جمیع الانبياء والمرسلين والشهداء والصدیقین والمصلحین.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم: ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله امواتا بل احياء و لكن لا تشعرون،

در منطق انبیاء در منطق قرآن مساله مرگ، بخصوص برای انسانهای مجاهد و پیشرو و شهداء حل شده است. در این آیه، قرآن با صراحت و قاطعیت می گوید: درباره کسانی که در راه خدا کشته شده اند کلمه مرگ را بردارید، نگوئید، نگوئید اینها مرده

هستند، بلکه اینها زنده هستند و لکن بیشتر مردم و شما چنین استفساری ندارید. این راهیست که انبیاء بازکردند و دیوار بین این زندگی و زندگی آخرت و زندگی برتر را برداشتند.

و این راز را برای انسانها گشودند که مرگ نیست، تحولی است از زندگی به زندگی دیگر، از رحم طبیعت به فضای بزرگ و وسیع و عالی الهی، بخصوص مرگی که فی سبیل الله باشد، راه خدا، جهاد فی سبیل الله، قتال فی سبیل الله، هجرت فی سبیل الله، سختیها و شکنجه‌های فی سبیل الله، این راه خداست، این راه خداست که راه نجات خلقهاست، راه آزادی انسانهاست، راه خدا، نه به پرف آسمانها است و نه شرق و نه غرب و نه جنوب و نه شمال، راه خدا همین است، در همه آیاتی که درباره جهاد، قتال، هجرت، حرکت، مبارزه آمده قید فی سبیل الله هست اولاً " برای اینکه جهادها و کوششها از جهت خودخواهی، سلطه جوئی، تحمیل، به بند کشیدن، غنیمت ربودن نباشد، فقط برای نجات انسانها، برای نجات همه مردم، برای گشودن بندها، برای آزاد کردن انسانها، برای برداشتن سدها، سدهائی که مردم را از هم جدا کرده و راه خدا را، راه تعالی را، بسته است، همین راه تعالی خود انسان است. در دیگر عبادات شخصی قید فی سبیل الله نیست، رابطه ایست بین انسان و خدای خود ولی در اینگونه عبادات: جهاد، کوشش، به میدان جنگ رفتن، با دشمن مقابله کردن، هجرت کردن، همه فی سبیل الله، که ملاحظه می کنید سبیل خدا همین راه نجات مردم است، هم مردم را نجات دادن، هم خود انسان از شهوات و غرائز و سقوط در زندگی کثیف دنیوی نجات پیدا کردن، و الا انسان گوشه‌ای بنشیند و در افکار و اندیشه و خیالات خود فرو برود و تنها تسبیح و تهنیت بگوید این از نظر اسلام منشاء تقرب به خدا نیست، چه بسا کسی که در گوشه‌ای نشسته و به زبان سبحان الله می گوید و در درون و اندیشه‌هایش آلودگی و نقشه‌های شیطانی است چه بسا انسانی که با تسبیح الله اکبر می گوید ولی مال و ثروت و قدرت طلبی و شهوات را بزرگتر از هر چیز می داند، چه بسا انسانی که به زبان در گوشه خانقاهی، مسجدی، لا اله الا الله می گوید و در اندیشه‌اش سدها بت برای خود می تراشد، چه بسا انسانی که به تنهایی الحمد لله می گوید ولی در درون آلوده به هرگونه رذائل خلقی و اندیشه‌های پست است. آنچه که راه خداست و انسان را از زمین می کند و به آسمان می پیوندد و در ردیف ملائکه قرار می دهد جهاد فی سبیل الله است. سبیل مردم، سبیل خدا، یک راهست، سبیل مردم، سبیل خداست، هجرت فی سبیل الله، رنج کشیدن فی سبیل الله، انفاق فی سبیل الله، در مقابل

سبیل شیطان، سبیل طاغوت، سبیل غی، در مقابلش سبیل رشد و سبیل رشاد. راه رشد انسانها همین است، در این آیه به صراحت می گوید: این کلمه مرگ را از زبان بیندازید، درباره کسانی که فی سبیل الله کشته می شوند.

و این عالیترین تعالیم انبیا است که کلمه مرگ برداشته بشود.

وقتی کلمه مرگ درباره شهدا برداشته شد، چنان نیروئی برای اجتماع و افراد پیش می آید که هیچ قدرتی توان مقاومت ندارد. بزرگان محققین و فلاسفه برای تشکیل مدینه فاضله و برای مردمی که در راه تحقق چنین اجتماع بزرگ و عظیم و انسانی هستند، می گویند باید کلمه مرگ از چنین اجتماعی حذف بشود، همانطوری که از زبان باید حذف بشود از اندیشه هم باید رانده شود. *ولا تحسین الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء و لکن عند ربهم یرزقون فرحین بما آتیهم الله من فضله و یرزقون بالذین لم یلحقوا بهم الا خوف علیهم و لا هم یحزنون*. در آن آیه می گوید نگوئید، در این آیه می گوید از اندیشه بیرون برانید، این جور حساب نکنید که کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند، اینها زنده‌اند، بسط پیدا می کنند، دارای فرح می شوند، انبساط وجودی پیدا می کنند و دائماً " پرتوافکن بردیگران هستند. فرحین بما آتیهم الله من فضله و یرزقون بالذین لم یلحقوا بهم الا خوف علیهم و لا هم یحزنون، این انسانی که در این محدوده مادی گرفتار است و دائماً " نگران است، یا نسبت به گذشته محزون است، آنچه که از دست داده، غنائمی که به دست نیاروده، شهواتی که به آنها نرسیده، لذاتی که از او فوت شده، ثروت‌هایی که از دست داده، این جزن است نسبت به گذشته. خوف نسبت به آینده، که چه خواهد شد؟ زندگی من، بقای من، حیات من، حیات خانواده من، این انسانیست که مثل حسابی در روی موج خوف و حزن گرفتار است. و همه بشر گرفتارند. قرآن می گوید: اینها می خواهند بشارت بدهند، رو نشان بدهند، سعی می کنند به هرزبانی به بازماندگان در دنیا بفهمانند که لا خوف علیهم، از این در بند رهائی پیدا کرده‌اند، نه خوف دارند و نه حزن، اینها نزد پروردگار مرتزق هستند، شهدا چنین‌اند، شهدا دائماً " الهامبخشند، شهدا در قلوب همه مردم زنده هستند، شهدا در نزد خدا پایدار و زنده هستند، این تحول و این انقلاب شهادت، که یک انسان آلوده و ساقط را یک مرتبه بالا می برد این خاصیت شهادت است، همان جوان، زن، مرد که دائماً " در اندیشه تأمین لذات و شهوات مادیست، یک مرتبه از جا کنده می شود وقتی که به میدان شهادت آمد، و قتیکه دیدش وسیع شد، این انسان چنان اوج می گیرد که همه غرائز را به جا می گذارد،

یکی انسان ساقط شهوانی و گرفتار غرائز می شود، یکی انسان عالیقدری که پیروال می گشاید و به طرف خدا حرکت می کند و مردمی را دنبال خود می کشد. این خاصیت شهید است، هر ملتی اگر سست شد، اگر تن به ذلت می خواهد بدهد، اگر تن به تحمیلات و بندها می خواهد بدهد، شهدا در وجدانهای یک یک این مردم چهره نشان می دهند و نجات می دهند، از جا برمی انگیزند، شهدای هفده شهریور ما چنین بودند. رژیم و پشتیبانان آن و عوامل خارجی آن گمان می کرد، بعد از مدتهائی که فرهنگش را تحمیل کرده، اقتصادش را تحمیل کرده، جوانهای ما را ساقط کرده به شهوترانی و لذات و بی بندگی و بی حسابی و بی قیدی کشانده، خیال می کرد این ملت ساقط شد، تمام شد کارش، ولی هفده شهریور نشان داد که این ملت از جا بلند شد با همه عوامل سقوط، با همه بندها، با همه قیدهای اخلاقی و فرهنگی، و اقتصادی تحمیل شده، بندها را باز کرد و در مقابل گلوله ها و در مقابل تانکها با مشت گره کرده و فریاد الله اکبر دنیا را تکان داد، فهماندند ما زندامیم. ما به خودمان متکی هستیم، دنبال رهبری قاطع خودمان هستیم و دنبال انبیاء و اولیاء و شهدای گذشته، از میدان کربلا گرفته تا این مسیر تاریخ، ما دنبال آنها حرکت می کنیم، این عظمتی بود که در چنین روزی مسلمان ایرانی، جوان، ما، زن ما، مرد ما، دختر ما، پسر ما نشان دادند، این وثیقه ای بود که برای ما گذاشتند، امروز ما بالای تربت آنها هستیم، در مزار آنها هستیم، ولی این آمدن غیر از زیارتها و فاتحه خوانیهای سنتی و معمول است، این آمدن برای اینست که تجدید عهد کنیم، ای بچه های که در این خاک خفته اید، ای جوانهایی که با گلوله دشمن تنهای شما و قلبهای شما دریده شد، ای زندهای بزرگواری که به میدان ریختید بچه ها را به بغل گرفتید و در مقابل گلوله ها شتافتید، ما آمدیم بعد از یکسال با شما تجدید میثاق کنیم، خون شما میثاق ما است. فریاد الله اکبر شما میثاق ماست، آن هدفی که شما دنبال کردید، در مقابل طاغوت و برای آزادی انسانهای ایران و مسلمان و همه انسانهای دنیا ما با شما تجدید پیوند و تجدید عهد می کنیم، که ما همان را تعقیب خواهیم کرد و ما در زیر این آفتاب سوزان و در میان این جمعیت و کنار مزار شما آمدیم تجدید پیمان کنیم. تجدید پیمان در مقابل هرگونه استبداد به هر شکل، تجدید پیمان در مقابل هرگونه استثمار و استبداد، تجدید پیمان برای آزادی همه بشر و همه مردم، تجدید پیمان برای پیاده کردن احکام عالییه اسلام و قرآن که مدت ها زیر خاکها مانده بود و فقط برای قرائت بود، تجدید پیمان برای زنده کردن قرآن، زنده کردن احکام اسلام، زنده کردن قوانینی که بشر را باید زنده کند، برای این جمع شدیم

با شما پیمان می بندیم. در آن روزی که شما آماده شدید که سینه سپر کنید و خودتان را مقابل گلوله قرار بدهید بزرگترین و عظیم ترین کار تاریخ را کردید، رژیم را با آنهمه قدرت، با آنهمه پشتیبانی، با آنهمه سلاحها، از پا در آوردید، درود خدا و درود همه ما بر شما باد.

اتقوا یوم تحشرون فیہ الی اللہ و توفی کل نفس ما کسبت و ہم لا یظلمون

بسم الله الرحمن الرحيم

اذا جاء نصر الله والفتح ورأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجا " فسبح بحمد ربک و استغفره انه کان توابا. غفر الله لنا ولكم و لجمیع المؤمنین و احشرونا مع اولیائک، و احشرونا مع الشهداء و الصدیقین و الصالحین.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

خطبه دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذی خلق السماوات و الارض و جعل الظلمات و النور ثم الذین کفروا بریهم یدخلون. و الصلوة و السلام علی عبده و رسوله المنتجب و نبیه، ارسله بالهدی و دین الحق، لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون، و لو کره الکافرون. النبی الخاتم، ابوالقاسم محمد و علی آله الطیبین الطاهرین المعصومین المنتجبین.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، الذین یتبعون الرسول النبی الامی الذی یجدونه مکتوبا " عندهم فی التوریه و الانجیل یأمرهم بالمعروف و ینهاهم عن المنکر و یحل لهم الطیبات و یحرم علیهم الخبائث و یضع عنهم اصرهم و الا غلال التی کانت علیهم، الذین آمنوا به و عزره و نصره اولئک هم المفلحون.

کسانی که این پیامبر بزرگوار و این رهبر عالیقدر انسانیت را پیروی کردند آن پیامبری که امی بود، یعنی از میان توده مردم برخاست، از میان بی سوادها، برای آنان و به نفع آنان، ناهامان یک گروه خاص و طبقه معین، الرسول النبی الامی همان پیامبری که پیامبران دیگر چشم به راه او بودند تا وحی آنها و رسالت آنها تکمیل بشود. یجدون عندهم مکتوبا " فی التوراه و الانجیل، همان پیامبری که آمد تا مردم را به معروف و اذکار و از منکر باز دارد، همان پیامبری که آمد، همه آنچه را که ادیان گذشته تحریم کرده بودند از طیبات، بر مردم حلال کند، این قیدها را بردارد و آنچه خبیث است حرام

کند و یضع عنهم اصرهم ، بارهای سنگینی که بر دوش بشر بوده است بردارد ، غلهائی که فکر و اندیشه مردم را و زندگی و حیات مردم را بسته بود بگشاید . اینها هدف این نبی بود : تحلیل طبقات ، امر به معروف ، نهی از منکر ، تحلیل طبقات ، تحریم خبائث ، برداشتن اصرها و غلها ، اصر یعنی چه ؟ یعنی بارسنگین ، باری که محکم بسته شده است ، آن تحمیلات فکری و اندیشه‌های عقیده‌ای که دنیای شرک و کفر بر افکار و اندیشه‌های مردم تحمیل کرده بود ، آن نظام طبقاتی که بر توده مردم تحمیل و بسته شده بود ، آن قوانین و آداب و سننی که مردم را زیر بار تحمیلات کمرشکن کرده بود و آن غلهائی که دست‌وپای فکر و حرکت مردم را بسته بود . این پیامبر آمد همه آنها را بردارد ، این غله‌ها را بگشاید . اینها هدف این پیامبر بود ، یعنی آزاد کردن مردم ، آزاد کردن از تحمیلات طبقاتی ، آزاد کردن از اندیشه‌های شرکی که تحمیل شده ، آزاد کردن از احکام و قوانینی که به سود یک گروه و یک طبقه بر دیگران تحمیل شده ، این رسالت پیامبر شما بود ، ماهم باید دنبال همان رسالت باشیم ، این شهدای ما هم دنبال همین رسالت بودند ، در مقابل فرهنگ تحمیلی ، در برابر اقتصاد تحمیلی ، در برابر قوانین تحمیلی ، در برابر محدودیت‌های پلیسی که گاهی به اسم دین بر مردم تحمیل می‌شد که از همه خطرناکتر یعنی آنچه را که احبار و رهبان و همکاری آنها با طبقات ممتاز بر مردم تحمیل کرده بودند به نام دین ، این خطرناکترین تحمیلات است ، یعنی آنچه که از خدا نیست ، از جانب حق نیست ، آنها را به اسم خدا به دست و پای مردم ببندند و مردم را از حرکت حیاتی بازدارند ، حق اعتراض به کسی ندهند ، حق انتقاد ندهند ، حق فعالیت آزاد به مردم و مسلمانها و مردم آزاده دنیا ندهند . این همان اصر است ، این همان اغلال است . این اغلالیست که پیامبر مبعوث شد و بشر دچار شده به این همه غله‌ها را نجات داد تا ما دنبال این پیامبر ، هم خودمان را نجات بدهیم ، هم دیگران را نجات بدهیم . دعوت اسلام ، دعوت به رحمت و آزادی است ، در اول هر سوژه به نام دو رحمت ، رحمت واسعه و رحمت خاص شروع می‌کند .

بسم الله الرحمن الرحيم . و ما ارسلناک الا رحمه للعالمین ، تو رحمتی ، رحمت برای همه مردم ، همان گناهکاری که محکوم به اعدام می‌شود به قانون اسلام ، هم برای خودش رحمت است که گناهانش شسته بشود ، از شر باقیمانده‌اش مردم آزاد بشوند ، هم رحمت به دیگران است . جهادش رحمت ، هجرتش رحمت ، قوانینش رحمت ، هدایتش بر اساس رحمت . ما نظام اسلامی می‌خواهیم که در پرتو رحمت باشد ، ما اگر همان رسالت ، رحمت الهی را درباره مردم خودمان و دیگران در مرحله اول اجرا بکنیم بسیاری از مشکلات حل می‌شود

بسیاری از این تشنجات از میان می‌رود ، هنوز مردم مستضعف ما چه در داخل و مرکز و اطراف و انحاء کشور باور نمی‌کنند که رسالت اسلام و انقلاب ما برای آزادیست . چون عمل کمتر دیده‌اند ، در همین مسائلی که در کردستان پیش آمد ، اگر ما بجای پسگیری ، پیشگیری می‌کردیم ، اگر آن وقتی که من به سنج رفتم با دوستانمان ، عمل می‌کردند ، با حس رحمت و در پرتو رحمت با اینها تماس می‌گرفتند و بندها را از اینها برمی‌داشتند آن بندهائی که تحمیل شده بود و آنچه که رژیم بر اینها تحمیل کرده بود ، آن رژیم غدار طاغوت ، شاید این مسائل یا پیش نمی‌آمد یا کمتر پیش می‌آمد ، همین طور نسبت به دیگران ، و نسبت به همه ، ولی ما هنوز هدف اسلام را تشخیص نداده‌ایم . همه می‌گوئیم انقلاب اسلامی . بپرسید هدف اسلام چیست ؟ این گروه ، آن گروه ، آن گروه ، یکفر بعضهم بعضا ، این آنرا تکفیر می‌کند ، این به آن می‌گوید مرتجع ، این به آن می‌گوید انحرافی ، ولی هنوز مشخص نشده اسلام چه می‌خواهد ، منظور اسلام چیست ؟ اگر هدفها تشخیص داده بشود ، اگر راه به طرف هدف باز بشود ، بسیاری از این درگیرها تخفیف پیدا می‌کند ، آنوقت مشخص می‌شود که این برادر کرد آیا واقعا " ضد انقلاب بوده یا او را با شعارهائی که در زمینه غله‌ها و اصرهای مادی و فرهنگی نگه داشته‌اند ، شعار می‌دهد ، او را فریب می‌دهد ، به خودش می‌کشد و به طرف خودش جذب می‌کند ، راه تبلیغات علیه دولت و رهبری و این شهدای ما و این مردم انقلابی ما که اینقدر در اینجا زیر آفتاب جمع شدند از توده مردم ، راه انقلاب را به آنها عملا " باید نشان بدهیم ، باید از همان قدم اول ، روز اولی که رژیم سقوط کرد ، ما پرچم رحمت را باز کنیم و با عمل نشان بدهیم ، آن کسانی که هنوز می‌خواهند حقوقهای زیاد در ادارات بگیرند و بنشینند و کار نکنند ، اینها را ببریم دنبال کار ، و به زندگی مردم ، مستضعفین ، مسکن ، زندگی ، آندوری که می‌توانیم برسیم و از این کاغذ بازیها دست برداریم ، اگر می‌کردیم بسیاری از مسائل حل می‌شد ، من قول می‌دادم حل می‌شد ، صدها بار من گفتم که مسأله شورا از اساسی‌ترین مسأله اسلامی است ، حتی به پیغمبرش با آن عظمت می‌گوید ، با این مردم مشورت کن ، به اینها شخصیت بده ، بدانند که سوء ولایت دارند ، متکی به شخص رهبر نباشند ولی نه اینکه نکردند ، می‌دانم چرا نکردند ، هنوز هم در مجلس خبرگان بحث می‌کنند در این اصل اساسی قرآن ، که به چه صورت پیاده بشود . باید ، شاید ، یا اینکه می‌توانند . نه ، این یک اصل اسلامی است . یعنی همه مردم از خانه و زندگی و واحدها باید باهم مشورت کنند در کارشان ، علی می‌فرمود :

من استبد برآیه هلك، هرکه استبداد کند در کارهای خودش هلاک می شود.
 من شاور الرجال شاركهم فی عقولهم، وقتی من یک دید دارم با یک نفر از شما بادونفر،
 با ده نفر وقتی مشورت می کنم، ده دید پیدا می کنم، ده عقل به عقل خودم ضمیمه می کنم،
 چرا نمی شود؟ نمی دانم!! امام دستور می دهد، ماهم فریاد می کشیم، دولت هم تصویب
 می کند، ولی عملی نمی شود، مگر در سنج که این شورای نیم بند تشکیل شد ضرری به
 جایی رسید؟ و می بینیم آنجا نسه از همه منطقه کردستان آرامتر است، یعنی گروهها و
 افراد دست اندرکار شاید اینطور تشخیص بدهند که اگر شورا باشد دیگه ما چکاره هستیم؟!
 شما هیچ!! بروید دنبال کارتان، بگذارید این مردم مسوءولیت پیدا کنند، این مردمنده
 که کشته دادند، اینهایی که اینجا خوابیده اند از همین توده های جنوب شهر بودند، منطق
 اینها بود. می گویند در کارخانه ها اختلال می شود، خوب یک مرتبه اختلال بشود، آن اصل
 مهمتر از اینست که در یک کارخانه اختلال بشود، در کارخانه اختلال شد، شورا را تعطیل
 کنید، چرا؟ و امر هم شوری بینهم، در اجرائیات پیغمبر با آن عظمتش می نشست بسا
 مسلمانها در جنگ بدر، جنگ احد، جنگ خندق، شما نظرتان چیست؟ از شهر خارج
 بشویم، یا در شهر بمانیم؟ شما نظرتان در جنگ خندق چیست؟ خرماها را به یک عده
 از قبایل عرب بدهیم اینها بروند کنار تا بین اینها اختلاف ایجاد بشود یا ندهیم، در
 جنگ بدر که آماده جنگ نبودند، جنگ کنیم یا نکنیم؟ وقتی آنها می گویند که یا رسول الله
 ما آنوقتی که در پرتو اسلام نبودیم، مقابل دشمن می رفتیم، حالا چرا در خانه در میان
 شهر باشیم؟ می فرمود بفرمائید، بروید. یا رسول الله آنوقتی که ما مسلمان نبودیم و موحد
 نبودیم به عربها باج نمی دادیم، حالا باج خرما بدهیم به اینها. فرمود: نه، می جنگیم،
 شما نظرتان اینست؟ می جنگیم. این کاریست که باید همه مردم بکنند، می فرمائید ما
 برای جنگ نیامده ایم، در بدر، این همه قشونی که حرکت کردند با تجهیزات از مکه، ما
 شاید تاب و توان آنها را نداشته باشیم بجنگیم یا نجنگیم؟
 مقدار عرض می کند: یا رسول الله ما با شما بیعت کرده ایم دست ما را بگیرید
 به دریا بیندازید! به هرجا می خواهی پرت کن و به هر موجی می خواهی بسپار، ما دنبال
 تو هستیم می جنگیم باذن خدا و فتح هم می کردند. چون همه مسوولیت قبول می کردند،
 ولی وقتی مردم از مسوولیت خارج شدند، شما برادر، شکا کاسب، شما کارگر، شما بازاری
 شما کشاورز، می گوئید خوب به ما چه، خودشان دارند کارشان را می کنند. نه، وظیفه یک
 یک از شماست.

و اگر می کردیم و اگر می کردیم و اگر می کردیم! که خیلی زمینه برای کارها داشتیم
 و هنوز هم داریم، بیشتر این تشنجها، این فرصت طلبی های عوامل ضد انقلاب و خارجی
 را زبانشان را می بستیم، و سلاح از دست اینها می گرفتیم ولی متاسفانه دیر شد. ولی
 هنوز دیر نشده، همانطوری که جلوی توپ و تانک رفتید، این مسوولیتها را دارید شما،
 این به عهده شماست، شاید بعضی از دوستان ما بگویند آقا شما چرا این مسائل را در
 میان توده مردم مطرح می کنید؟ بیائید در مجلس خبرگان! می گویم بین موکلین شما
 مطرح می کنم، اینها هستند که ما را وکیل کردند، می دانم برای چه وکیل کردند؟ ما موظف
 ونسبت به اینها مسوولیت داریم، باید دردها، اندیشه ها، بدبختی ها، ناراحتی ها،
 عقب ماندگی های این مردم را جبران کنیم، با قوانین نجاتبخش و حیاتبخش اسلامی،
 امیدواریم که همه ما هوشیار بشویم فرد فرد مسوولیت قبول بکنیم، و این مسائل عظیم
 اسلامی را پیاده بکنیم، خودرایی و خودخواهی را کنار بگذاریم، گروه خواهی، فرصت-
 طلبی و تحمیل عقیده یا خدای نخواستہ استبداد زیر پرده دین را کنار بگذاریم و بیائیم
 با مردم با دردمندها با رنج کشیده ها، با محرومها، همصدا بشویم. خداوند همه ما را
 بیامرزد.

اللهم اغفر لنا ولوالدینا و لجمع المومنین و المومنات و لا تزدد الظالمین الا تبارا.

بسم الله الرحمن الرحيم

والعصر، ان الانسان لفي خسر، الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا

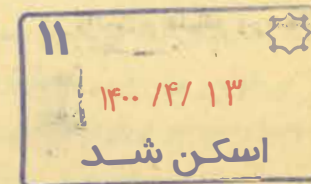
بالحق و تواصوا بالصبر.

خداوند همه ما را به راه راست و راه مستقیم، نه راه چپ و نه راه راست مقابل
 چپ، هدایت کند، رهبرهای ما را در مسائلی که برای مردم و در راه خیر مردم است
 الهام ببخشد، رهبر عالیقدر ما را در راه خیر و صلاح و آزادی مردم تأیید بفرماید و همه
 ما را قدردان این خونهای شهدا و پیمانهای که خون اینها با ما بسته اند بدارد!

والسلام علیکم ورحمة الله

وبدین ترتیب آخرین سخنان او ، در میان توده مردم
و بر مزار شهیدان ، پیمان بستن با خون شهیدان برای حرکت
در راه مستقیم ، برای همصدا شدن با مردم ، با دردمندا ،
با رنجکشیده ها ، با محرومها است ، و فریاد کشیدن برای اجرای
شوراها و سپردن کار مردم به دست خودشان . و اینک که نزدیک
به چهل روز می گذرد که دیگر او در میان ما نیست ، این سفارش
در نخستین مرحله اش به اجرا در می آید و شورا های یکصد و پنجاه
شهر ، که به نام او نامگذاری شده است ، تشکیل می شود .
آری ، سلام بر تو ای ابوذر زمان و یار محرومان و
بازوی توانای اسلام و مالک اشتر امام ، و رحمت و برکات خدا .

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»



سلسله انتشارات شهادت و شورا



کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

شماره مسلسل انتشارات بنیاد: ۱

چاپ دوم

بنیاد فرهنگی آیت الله طالقانی

با همکاری

انتشارات قلم

خیابان سمیه - چهارراه بهار - ساختمان ابرج - شماره ۶ - تلفن ۲

۴۵ ریال

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

۱۷۸۳۲۴